

درسنامه

موضع دعوت یمانی آل محمد (ع)

در قبال جمهوری اسلامی ایران

فهرست محتوا:

پیشگفتار:	۳
أ) مواجهه شایسته با حکومت، آزمون بزرگ تبعیت از امام (ع)	۷
ب) اهمیت و احترام قائل شدن برای حکومت ایران به چه معناست؟	۱۲
ج) آیا انتقاد از حکومت و یا نشر مظلومیت انصار جایز است؟	۱۴
د) تاملی در معنای حاکمیت الله و جایگاه انتخابات	۱۶
ه) ما به دنبال چه هستیم؟ و روش حرکت ما کدام است؟	۱۹
نتیجه گیری:	۲۷
پیوست ۱: (گزیده‌ای از کلام امام احمد الحسن درباره قدرت‌های جهانی)	۲۹
پیوست ۲: (شاخص‌های راهبردی دعوت مبارک یمانی)	۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين الأئمة و المهديين و سلم تسليما كثيرا

پیشگفتار:

در صلوات شعبانیه می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْفُلُوكِ الْجَارِيَةِ، فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا، وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ: خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد، کشتی جاری در اقیانوس‌های بیکران؛ ایمن شود هر که سوار آن کشتی گردد و غرق شود کسی که آن را واگذارد، هر که بر ایشان تقدّم جوید از دین بیرون رفته و کسی که از ایشان عقب ماند به نابودی گراید و آنکه ملازم آنهاست [به حق] پیوسته است.» (مصباح المتهجد شیخ طوسی: ص ۴۵)

آری محمد (ص) و اهل بیت پاک او (ع) کشتی‌های نجات بشر از جهنم دنیا هستند و بدا به حال کسانی که از آل محمد (ع) عقب بمانند و یا از آنان پیشی بگیرند. سرور و سالار شهیدان، ابا عبد الله الحسین (ع) فرمودند: «مَنْ لَحِقَنِي أُسْتُشْهِدَ وَ مَنْ لَمْ يَلْحَقَنِي لَمْ يُدْرِكِ الْفَتْحَ: هر کس به من ملحق شود شهید می‌شود و هر کس به من ملحق نشود، به فتح و پیروزی نخواهد رسید.» (مختصر بصائر الدرجات، ص ۶)

سید احمد الحسن (ع)، وصی و فرستاده امام مهدی (ع) و یمانی آل محمد (ع) در تفسیر این روایت شریف می‌فرمایند: «لَكُلِّ زَمَانٍ حُسَيْنٌ، فَمَنْ لَحِقَ حُسَيْنَ زَمَانِهِ لَحِقَ الْحُسَيْنِ»: هر زمانی را حسینی است و هر کس به حسین زمان خود ملحق شود به امام حسین (ع) پیوسته است.» (متشابهات، س ۱۴)

اما این پیوستن درجاتی دارد و طبق تصریح سید احمد الحسن (ع)، «کسی که در همه تفصیل و ریزه‌کاری‌ها با امام (ع) همراه است، همانند کسی نیست که [فقط] به طور کلی و اجمالی با امام (ع) همراهی می‌کند.» (متشابهات، س ۱۴) سید (ع) تاکید می‌کنند که هر کسی متناسب با مقامش و مقدار التزامش به حسین [زمان] (ع) مقداری از فتح را درک می‌کند؛ یعنی پیروزی و فتح با قائم (ع) را درک می‌کند. (متشابهات، س ۱۴)

آری شیعه کسی است که دقیقاً پا جای پای امام خویش می‌گذارد و به سمت مشرق و مغرب متمایل نمی‌شود. شیعه حقیقی پیرو محض امام حی و حاضر خویش است و پس از شناخت خلیفه خدا با قانون ثابت معرفت حجت، هرگز فهم قاصر خویش را بر خواست و رأی امامش مقدم نمی‌کند.

اما چه زمانی ما در همه جزئیات ملحق به امام زمانمان (ع) هستیم؟ آیا صرف مطالعه کتاب‌ها، خطبه‌ها و بیانیه‌های امام (ع) برای شناخت منویات ایشان کافی است؟ بی‌تردید خیر! اگرچه مطالعه آثار امام (ع) برای شناخت عقائد، اخلاق و احکام صحیح آل محمد (ع) ضروری است، اما ما را از ارتباط روزانه با ایشان بی‌نیاز نمی‌کند.

اگر قرار باشد مومنان به یمانی آل محمد (ع) نیز مانند مدعیان اسلام و تشیع، به مطالعه تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع) و به واکاوی سیره سیاسی- اجتماعی آنان پرداخته، از پیش خود اجتهاد کنند و فتوا صادر نمایند، دیگر چه تفاوتی میان یمانیون و آنان که "بی‌امام" طی مسیر می‌کنند وجود دارد؟ آیا افزودن سیره امام احمد الحسن (ع) و تاریخ دعوت یمانی به سیره بیش از هزارساله اهل بیت (ع) برای رسیدن به تکلیف شرعی در زمان حاضر کفایت می‌کند؟ و آیا کسی می‌تواند با رأی و اجتهاد خویش برای امروز دعوت آل محمد (ع)، به ترسیم راهبرد و برنامه حرکت اقدام نماید؟ هرگز!

یکی از بزرگترین عواملی که در طول تاریخ، موجب انحراف دعوت‌های الهی از مسیر اصلی آنها شده، همین اجتهادها و برداشت‌های شخصی افرادی است که خود را مومن به این دعوت‌ها دانسته‌اند.

بی‌تردید، رفتار و گفتار انبیاء و اوصیای الهی برخاسته از حقایقی است که در بسیاری مواقع، حکمت آنها بر سایرین پوشیده است و هرگاه پیروان یک حجت الهی با درک و فهم شخصی و دریافت‌های ظاهری خویش به تحلیل و نظریه‌پردازی پرداخته‌اند، سنگ بنای انحراف از مسیر دعوت الهی پیشوای خویش را خواسته یا ناخواسته بنا نهاده‌اند.

امام احمد الحسن (ع) نسبت به اعتماد مردم به فهم شخصی خویش چنین هشدار می‌دهند:

«والحق أقول لكم، إن في التوراة مكتوب: "تَوَكَّلْ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِكَ وَلَا تَعْتَمِدْ عَلَىٰ فَهْمِكَ، فِي كُلِّ طَرِيقٍ

اعرفني، و أنا أقوم سبيلك، لا تحسب نفسك حكيماً، أكرمني و أدب نفسك بقولي": حق را به شما

می‌گویم، همانا در تورات آمده است: "با تمام قلب خویش به من توکل نما و بر فهم خویش اعتماد مکن، در هر

راهی مرا بشناس و من راه تو را راست می‌کنم؛ خودت را حکیم مپندار، مرا بزرگ بدار و نفس خویش را با گفتار من ادب کن."» (خطبه نصیحتی به طلاب؛ ۸ ربیع الثانی ۱۴۲۶ / ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۴)

امروز ما انصار قائم آل محمد (ع) در این برهه خطیر تاریخی، در جایگاهی قرار گرفته‌ایم که تمام پیامبران الهی و امامان معصوم (ع) آرزوی آن را داشته‌اند، یعنی بودن در زمان قائم (ع) و خدمت شبانه‌روزی به ایشان.

به هوش باشیم که کوچکترین اشتباه ما خدای ناکرده، در تغییر مسیر این دعوت مبارک و ایجاد تاخیر در به ثمر رسیدن اهداف آن موثر است. باید تمام همّت و آرزوی ما این باشد که سنگ‌هایی باشیم در دستان مبارک امام احمد الحسن (ع)؛ سنگ از خود نه شکوه و جلوه‌ای دارد و نه ادّعا و اراده‌ای! بلکه تنها ابزاری است آماده برای نشانه‌گیری هدف توسط صاحبش!

ممکن است امام احمد الحسن (ع)، این پیشوای الهی حرکت مهدوی در آخر الزمان، در هر برهه‌ای از تاریخ، اولویت‌ها و الگوهای متفاوتی برای پیش‌برد دعوت مبارک در نظر داشته باشند و متناسب با مقتضیات زمان و مکان از راهبردها و رویکردهای مختلفی بهره گیرند. توجه به این نکته را می‌توان در کتاب روشنگری‌های امام (ع) مشاهده کرد، آنجا که ایشان به تبیین بخشی از این تفاوت‌های راهبردی و روشی در دعوت انبیاء و اولیای الهی پرداخته‌اند. بنابر این، بسیاری از مواضع و تعابیری که امام (ع) مثلاً در ۱۷ سال پیش و در جامعه "عراق" منتشر کرده‌اند، لزوماً همان چیزهایی نیستند که ایشان "امروز" و در کشور عزیزمان "ایران" تکرار آنها را از ما انتظار داشته باشند.

اما مومنین در مشارق و مغارب کره خاکی چگونه می‌توانند به اراده و خواست امام (ع) خویش در موقعیت‌های زمانی و مکانی متفاوت پی ببرند؟ آیا حتی با فرض حضور بی‌واسطه امام (ع) در میان مردم، امکان مراجعه مستقیم همه مومنان به ایشان وجود دارد؟ و آیا معقول است همگان به صفحه مبارک امام (ع) در فیسبوک هجوم برده، در هر مسئله خُرد و کلانی از شخص ایشان کسب تکلیف کنند؟

نمایندگان امام (ع)؛ شهرهایی آشکار در طول مسیر

همواره و در زمان تمامی حجج الهی، به ویژه حجت‌هایی که عهده‌دار دعوت‌های گسترده الهی بوده‌اند، تعدادی از اصحاب مورد اعتماد ایشان به عنوان واسطه‌های ارتباطی موثق و تسدید شده میان حجت خدا با مردم ایفای نقش می‌کرده‌اند.

امام محمد بن الحسن العسکری (ع) در پاسخ به پرسشی از سوی محمد بن صالح همدانی نوشتند: «... مگر سخن خدای متعال را نخوانده‌اید که فرمود: **«وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً»**. و میان آنها و شهرهایی که مبارکشان گردانیدیم، شهرهایی آشکار قرار دادیم" (سبا، ۱۸) به خدا قسم ما آن شهرهایی هستیم که برکت داده شدیم و شما [کارگزاران ما] شهرهای آشکار.» (غیبت طوسی، ج ۱: ص ۳۴۵)

این "قُرَای ظاهره" همان اصحاب خاص ائمه (ع) هستند که در هر زمان واسطه‌های ارتباط ایشان با شیعیان و دوستدارانشان بوده‌اند. امام زمان (ع) به ویژه در مورد نواب خاص چهارگانه خویش به خط مبارکشان توقیعی صادر کردند (در زمان نایب

دوم) که در آن آمده است: «... وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجتى عليكم وأنا

حجة الله... اما در حوادثی که واقع می‌شود، به نقل کنندگان سخن ما رجوع کنید، زیرا آن‌ها حجت من بر شما هستند و من

حجت خدا هستم...» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳)

امام احمد الحسن (ع) نیز از همان اوائل دعوت، مومنان پاک و برگزیده‌ای را به عنوان رابط خویش با مومنین معرفی کرده‌اند. نمایندگان امام (ع) امروز نیز اگرچه از زمان حضور فیزیکی امام در میان عامه مومنین، به عنوان واسطه‌های امین امام (ع) شناخته می‌شده‌اند، اما پس از پایان غیبت شش ساله امام و ضمن افتتاح صفحه مبارک فیسبوک با صوت شریفشان، بار دیگر از سوی ایشان معرفی و تایید شدند.

امروز همانطور که بر همگان آشکار است، سید حسن حمامی، سید واثق حسینی، شیخ ناظم عقیلی و شیخ حبیب سعیدی چهار نماینده رسمی سید احمد الحسن (ع) در مکتب نجف اشرف (دفتر اصلی دعوت) هستند. این چهار نائب بزرگوار در حقیقت وکلای امین سید یمانی (ع) و دروازه‌های مطمئن و تسدید شده راهیابی به ساحت قدس امام عصر (ع) و فرزند و فرستاده ایشان به شمار می‌آیند.

امام احمد الحسن (ع) پس از افتتاح صفحه فیسبوکشان در سال ۲۰۱۲، با صوت طاهر خود طی پستی، علیه تشکیک‌کنندگان نسبت به این صفحه مبارک و نسبت به مکتب شریف فرمودند: «اگر در اشتباه بودند باید توبه کنند و الا از من دوری کنند و ادعای ایمان به من را نداشته باشند!» (صوت دوم منتشر شده در فیسبوک)

امام (ع) همچنین در جریان تظاهرات گسترده اخیر عراق، و در پاسخ به اتهام اعمال خشونت توسط پیروانشان بار دیگر در صفحه فیسبوک خویش چنین تاکید کردند:

«... وأكرر هنا ما يعرفه الجميع أن من يمثلني هو المكتب الرسمي في النجف الاشرف وما يصدر منه

من توجيهات و لاهلاقة لي بأي افراد أو جماعة تدعي انها تتبعني ولا تسير على ما يصدر من توجيهات

المكتب في النجف الاشرف أو ماكتبته شخصيا في هذه الصفحة: و اینجا آنچه را همه می‌دانند تکرار

می‌کنم که: آنچه مرا نمایندگی می‌کند، مکتب رسمی در نجف اشرف و دستور العمل‌هایی است که از آن صادر

می‌شود؛ و هر فرد یا گروهی که ادعا می‌کند پیرو من است، درحالی‌که طبق دستورالعمل‌های صادره از مکتب در

نجف اشرف یا آنچه شخصاً در این صفحه می‌نویسم حرکت نمی‌کند، هیچ ارتباطی به من ندارد.» (۴ نوامبر ۲۰۱۹ م)

بنابر این، بر همه مومنان لازم است که طبق اوامر و رهنمودهای مکتب و نمایندگان امام احمد الحسن (ع) حرکت کنند و طبعا اعمال کسانی که نسبت به این مسئله بی‌توجه هستند، ارتباطی با دعوت مبارک ندارد و مسئولیت آن مستقیماً بر عهده خودشان خواهد بود.

ا) مواجهه شایسته با حکومت، آزمون بزرگ تبعیت از امام (ع)

یکی از مهمترین مواردی که می‌تواند سنگ محک مهمی در آزمون "تبعیت" و "تسلیم" ما انصار ایرانی در برابر مکتب مبارک مولایمان امام احمد الحسن (ع) باشد، نحوه مواجهه و رویکرد ما نسبت به جمهوری اسلامی ایران است.

رفتار تلخ و گزنده نیروهای امنیتی کشور نسبت به انصار امام مهدی (ع) هرگز قابل انکار نیست و دل هر آزاده‌ای را به درد می‌آورد، اما حتی این رفتار ظالمانه هم دلیل نمی‌شود که ما خواست و اراده امام (ع) و مکتب مبارک ایشان را کنار بگذاریم و نسبت به حکومت ایران با نگاهی بغض‌آلود بنگریم و رفتاری خصمانه داشته باشیم.

مکتب شریف سید احمد الحسن (ع) بارها و در پیام‌هایی متعدد، موضع دعوت یمانی آل محمد (ع) را در برابر حکومت ایران کاملاً روشن و شفاف بیان کرده است. چنانکه مستحضرید همین موضع توسط سید واثق حسینی و شیخ حبیب سعیدی (دو تن از نمایندگان رسمی مکتب) در گفتگوی صوتی برگزار شده در گروه فیسبوکی "حم" به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۷ تکرار و تأکید شده است.^۱

آنچه در پی می‌آید برگزیده‌ای از مواضع رسمی مکتب رسمی نجف اشرف در قبال حکومت جمهوری اسلامی ایران است:

۱) ما با حکومت ایران دشمن نیستیم

«... و بالنسبة الى دولة ايران فقد قلنا مرارا لكم بأننا لا نعتبرهم أعداء ... نحن ليس لنا عداا شخصي لا مع حكومة ايران و لا مع قائد من قادتها...»

ترجمه: «نسبت به دولت ایران، پس بارها به شما گفته‌ایم که ما آنها را دشمن خود نمی‌دانیم ... ما هیچ خصومت شخصی نداریم، نه با حکومت ایران و نه با رهبری از رهبران آن.» (پیام مکتب در ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹ / ۱۵ اسفند ۱۳۹۶)

۲) ما برای حکومت ایران احترام قائلیم

«... فهم حكومة شيعية تدافع عن مذهب أهل البيت (ع) و نحن لهم الاحترام.»

ترجمه: «آنها [صاحب] حکومتی شیعی هستند که از مذهب اهل بیت (ع) دفاع می‌کند و ما برای آنان احترام قائلیم.» (پیام مکتب در ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۰ / ۶ آذر ۱۳۹۷)

^۱ . شایان ذکر است که این مواضع دقیقاً در چهارچوب شاخص‌های راهبردی دعوت مبارک است که در سال ۲۰۱۴ توسط مکتب شریف منتشر شده بود. پیشنهاد می‌شود که این ۱۰ شاخص مهم را در پیوست مطالعه بفرمایید.

۳) وجود حکومت ایران یک امتیاز است

* «... و اکید وجود حکومت اسلامی شیعی را معتبر تقدماً في مواجهة الغزو الامريكي و حلفائه للعالم وكذلك في مواجهة المد الوهابي الارهابي الخبيث.»

ترجمه: «و مطمئناً در مواجهه با تهاجم آمریکایی و هم‌پیمانانش در دنیا و همچنین در مواجهه با جریان وهابی تروریست [و] خبیث، وجود یک حکومت اسلامی و شیعی یک پیشرفت محسوب می‌شود.»^۲ (پیام مکتب در اسفند ۱۳۹۷)

۴) سلامت و اقتدار حکومت ایران برای ما مهم است

* «... نحن ليس لنا عدااء شخصي لا مع حكومة ايران و لا مع قائد من قادتها بل نرى من المهم وجود حكومة شيعية في هذا الزمان .. و من المهم الحفاظ على سلامتها و قوتها ... و بالنسبة الى دولة ايران فقد قلنا مرارا لكم بأننا لا نعتبرهم أعداء ... بل وجود دولة شيعية مهم لنا في هذا الزمان ... و له أهمية في وجود التشيع لأهل البيت (ع) عموماً...»

ترجمه: «ما هیچ خصومت شخصی نداریم، نه با حکومت ایران و نه با رهبری از رهبران آن؛ بلکه وجود حکومتی شیعه در این زمان را مهم می‌دانیم ... و حفاظت از سلامت و اقتدار آن مهم است ... و نسبت به دولت ایران، پس بارها به شما گفته‌ایم که ما آنها را دشمن خود نمی‌دانیم ... بلکه وجود دولتی شیعی در این زمان برای ما مهم است ... و برای وجود شیعه اهل بیت (ع) عموماً اهمیت دارد.» (پیام مکتب در تاریخ ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹ / ۱۵ اسفند ۱۳۹۶)

* «... نلفت الانتباه الى ان الدعوة اليمانية ليس لها عدااء شخصي مع اي جهة او فرد و ليس لها توجه عدائي او سلبي اتجاه حكومة ايران ابدا بل سلامة ايران من اي خطر مهم لنا باعتبارها الدولة الشيعية الوحيدة في العالم و ليس عندنا معهم سوى الدعوة بالحسنى و بالدليل و البرهان فمن يخالف هذا التوجيه فلا يمثل الا نفسه و الدعوة اليمانية المباركة برينة من كل تصرف شخصي لا ينسجم مع منهج و توجيهات الدعوة المباركة...»

^۲. چنانکه می‌دانید آمریکای جنایتکار توسط امام احمد الحسن (ع) به عنوان مصداق "دجال اکبر" و رژیم منحوس صهیونیستی به عنوان "یهود پیامبرکش" معرفی شده‌اند و همچنین ایشان بارها نسبت به خطر وهابیت سَلَفی به عنوان "دین ترور" هشدار داده‌اند؛ بنابر این، سلامت و اقتدار حکومت ایران به عنوان سدی در برابر تجاوز این دشمنان قسم خورده اسلام و تشیع بسیار مهم است. گزیده‌ای از نصوص مواضع امام (ع) در قابل قدرت‌های جهانی را می‌توانید در پیوست مطالعه بفرمایید.

ترجمه: «متذکر می‌شویم به اینکه دعوت یمانی دشمنی شخصی با هیچ نهاد یا فردی ندارد و نسبت به حکومت ایران ابداً رویکرد دشمنی و سلبی ندارد، بلکه سلامت ایران از هر خطری برای ما مهم است به اعتبار اینکه آن تنها دولت شیعه در جهان است و ما جز دعوت با نیکی و دلیل و برهان با آنها مواجهه‌ای نداریم؛ پس کسی که با این دستورالعمل مخالفت کند، نماینده هیچ کس جز خودش نیست و دعوت مبارک یمانی از هر گونه عملکرد شخصی‌ای که با منهج و دستورالعمل‌های دعوت مبارک هماهنگ نباشد بری [و حسابش جدا] است.»^۳ (پیام مکتب در تاریخ ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹ / ۱۵ اسفند ۱۳۹۶)

۵) ما با تظاهرات علیه حکومت ایران مخالفیم

* «الدعوة اليمانية المباركة لم تتبن ابدًا الى مظاهرات ضد الحكومة الايرانية لا في الماضي و لا في الحاضر... و من يروج لذلك فهو عدو و يسعى الى بث الفتنة بين الحكومة الايرانية و الدعوة اليمانية المباركة فاحذروا الفتنة و اهلها...»

ترجمه: «دعوت مبارک یمانی، هرگز بر تظاهرات بر ضد حکومت ایران، مبتنی نشده است چه در گذشته و چه در زمان حال ... و هر کس چنین مسئله‌ای را ترویج کند، دشمنی است که قصد فتنه‌گری میان حکومت ایران و دعوت مبارک یمانی را دارد؛ پس از فتنه و اهل آن پرهیز کنید.» (پیام مکتب در تاریخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۳۹ / ۹ دی ۱۳۹۶)

۶) ما با محاصره اقتصادی ایران مخالفیم

* «... و قد صرّحنا برفض الحصار الجائر على الجمهورية الاسلامية.»

ترجمه: «... و ما به محکومیت محاصره اقتصادی ظالمانه علیه جمهوری اسلامی تصریح کردیم.» (پیام مکتب در ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۰ / ۶ آذر ۱۳۹۷)

۷) حکومت ایران نقطه قوتی برای ماست

* «وجود دولة اسلامية شيعية طبعاً هو اقرب بكثير الى الدعوة المهدوية المباركة، فالدولة الايرانية الشيعية بحد ذاتها هي نقطة قوة لثورة الامام المهدي (ع) إن تم ابتعاد رموزها عن سياسة القمع و الظلم و الاضطهاد للدعوة اليمانية المباركة...»

^۳ . امام احمد الحسن (ع) در پاسخ به کامنت شخصی که نسبت به برخوردهای نامناسب برخی مومنین با حکومت ایران و تحریک آنها علیه انصار گلايه داشت، فرمودند: «انصحوا من يتصرف بهذه الطريقة من المؤمنين أن يتركها ولا يتهجم على احد أما بيان الحاکمية والعقائد الصحيحة فلا إشكال فيه ولكن دون تهجم أو استفزاز للآخرين فليكن نقاش وكلام علمي وطرح الحجة والدليل.» **ترجمه:** «هر کس از مومنین را که به این روش عمل می‌کند نصیحت کنید که آن را ترک گوید و علیه هیچ کس تهاجم نکند؛ اما بیان حاکمیت و عقائد صحیح هیچ اشکالی ندارد، ولی بدون تهاجم و تحریک دیگران، پس باید بحث و گفتار [صرفاً] علمی و [همراه با] طرح حجت و دلیل باشد.» (کامنت فیسبوک: ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ م)

ترجمه: «وجود دولتی اسلامی و شیعی طبیعتاً بسیار به دعوت مبارک مهدوی نزدیکتر است، و حکومت شیعه ایران اگر سران آن از سیاست قلع و قمع و ظلم و ستم و اذیت و آزار دعوت مبارک یمانی دوری کنند، به خودی خود برای انقلاب امام مهدی (ع) یک نقطه قوت است ...» (پیام مکتب در اسفند ۱۳۹۷)

۸) این حکومت می تواند یاری گر دعوت حق باشد

*** «و نحن نرجو ان يسبب الله الاسباب لكي تشارك الدولة الايرانية بشكل رئيسي في نصره الدعوة المهدوية المباركة في الوقت المناسب ... و لله في خلقه شؤون.»**

ترجمه: «و ما امیدواریم که خداوند اسبابی را فراهم کند که حکومت ایران به شکل اصلی [و قابل توجه] در یاری دادن دعوت مبارک مهدوی در وقت مناسب مشارکت کند ... خداوند متعال بر امور خلق خود شؤونی دارد.» (پیام مکتب در اسفند ۱۳۹۷)

در ادامه بیانات حکمت آموز سید واثق حسینی (حفظه الله) را در پاسخ به مومنینی که از موضع مکتب مبارک در قبال حکومت جمهوری اسلامی سوال کرده بودند، می خوانیم:

سخنان سید واثق حسینی (حفظه الله) در گروه فیسبوکی حم:

«... به طور کلی، فردی که دعوت الهی را می شناسد، هر دعوتی از دعوت های الهی - و فقط درباره دعوت یمانی سخن نمی گویم - روش دعوت های الهی، روش دعوت به نیکی و روش دوستی نسبت به همه مردم است؛ می خواهند دوست باشند یا بی طرف باشند یا دشمنی کنند. خلیفه خداوند، برای هدایت همه آفریدگان می آید. این یک جنبه.

در جنبه دیگر، ما به عنوان دعوت یمانی، با هیچ یک از گروه ها و حکومت ها و طائفه ها و هیچ یک از مردم دشمنی نداریم. روش ما این گونه نیست. روش ما، دوستی نسبت به همگی است. دلیل دوستی ما این است که حق را به همه می رسانیم و همه را تبلیغ می کنیم و آرزو مندیم خیری را که در آن هستیم، [آنها هم] ببینند، همان ولایت ولی خدا و اینکه در بهشتی که همان ولایت است، زندگی کنند. فردی نزد امام صادق آمد و عرض کرد: "ای فرزند رسول الله! از خداوند بخواه که مرا وارد بهشت کند." ایشان به او فرمود: "از خداوند بخواه که تو را از آن بیرون نکند؛ چرا که بهشت، ولایت محمد و آل محمد (ع) است." این معنای مسئله ای است که می خواهیم، همه مردم را در خیری که هستیم، ببینیم.

موضعمان نسبت به حکومت جمهوری اسلامی را به طور خاص، بارها به شکل مستقیم یا از خلال پاسخ هایی که از مکتب مبارک آمده است، بیان نمودیم و آن را تکرار کردیم. چند بار گفتیم: وجود حکومت یا دولت اسلامی شیعی، به دعوت مبارک مهدوی [از سایر حکومت ها] بسیار نزدیک تر است. تا زمانی که حکومت شیعی وجود دارد، به این معناست که این مسئله به صورت کلی، نقطه قوت برای این مذهب شیعی است. همان طور که می دانید، اصل

تأسیس این جمهوری یا حکومت اسلامی، توسط امام خمینی، این بود که آن را مقدمه‌ساز [ظهور] امام مهدی (ع) قرار داد؛ و اینکه برای استقبال از ایشان، آماده باشند و زیر نظر ایشان باشند و به دستور ایشان (ع) عمل کنند.

اصل وجود این حکومت، در مرحله مقدمه‌سازی برای امام مهدی (ع) است؛ ولی این بدین معنا نیست که ما قائل هستیم که این حکومتی است شرعی و معصوم آن را قرار داده است، و اینکه این حکومت الهی است و بر اساس دستورات معصوم عمل می‌کند؛ خیر، این مسئله را نمی‌گوییم، بلکه ما حکومت جمهوری اسلامی را به این مسئله دعوت می‌کنیم که سیاست قلع و قمع را کنار بگذارد، کاری که علیه مؤمنین و پیروان سید احمدالحسن (ع) انجام می‌دهند. آنان را به این مسئله دعوت می‌کنیم که با همه، به نیکی رفتار کنند. از آنان دعوت می‌کنیم که با انصار امام مهدی، مانند دیگر ادیان و گروه‌هایی که در جمهوری اسلامی وجود دارند، رفتار کنند. یعنی ما می‌دانیم که در جمهوری اسلامی، آتش پرست وجود دارد و در آن، نصارا و یهودی و گروه‌های دیگری نیز وجود دارد. همچنین مسلمانان اهل سنت و وهابیت و دیگران وجود دارند. روشن است؟ به علاوه گروه‌های اسماعیلیه و بتریه و دیگر افراد بسیاری که موجودند. دوازده امامی شیعه را نیز به این‌ها اضافه می‌کنم.

همه این‌ها حق دارند، معابد یا مساجدی بسازند. مناسک عبادی خود را انجام بدهند و دعوت خویش را تبلیغ کنند و فردی نباید به آنان اعتراض کند. یعنی به طور کلی، مسائل کلی اعتقادشان را آشکار می‌کنند و مثلاً هیچ فردی نسبت به آنان برخورد یا آنان را قلع و قمع و زندانی نمی‌کند. از جمهوری یا حکومت جمهوری می‌خواهیم با انصار امام مهدی با همان روشی برخورد کند که با دیگر مردم رفتار می‌کند.

مسئله دیگر این است، در مدت زمانی که مؤمنین در ایران حضور دارند، آزار و اذیتی از آنان به حکومت نرسیده است. این بزرگ‌ترین دلیل است که ما هیچ نیتی نداریم علیه این حکومت باشیم. یعنی کارهای ما از نیت هایمان نشئت می‌گیرد. یعنی مثلاً اگر فردی نیتی پنهان داشته باشد، از سال ۲۰۰۳ تا الآن باقی نمی‌ماند، بلکه روزی آن را آشکار می‌کرد.

ما مردم مسالمت‌جویی هستیم و علیه هیچ فردی نیستیم؛ نه علیه حکومت جمهوری اسلامی و نه دیگر حکومت‌ها. نسبت به همگی دوستی داریم و احترام می‌گذاریم و زمانی که موضع خود را [در رابطه با حکومت جمهوری اسلامی] بیان می‌کنیم، به این معنا نیست که این حکومت الهی است و تأکید می‌کنم؛ و آنان را دعوت می‌کنیم که سیاست قلع و قمع و افراط‌گرایی علیه مؤمنین را رها کنند. این موضع رسمی ماست که آن را بیان کردیم و تکرار نمودیم و تا الآن نیز آن را می‌گوییم. قطعاً وجود حکومت اسلامی شیعی، در مقابله با حمله آمریکا و حمله وهابی و حمله سفیانی نیز نقطه قوتی است. می‌خواهد سفیانی وجود داشته باشد یا در آینده به وجود بیاید. طبیعتاً این مسئله خوبی است؛ روشن است؟ به این خاطر که جلوه‌ای از جلوه‌های حکومتی است که مذهب تشیع را منتشر و از آن دفاع می‌کند. این مسئله خوبی است که ما با آن [موافق] هستیم. ولی تأکید می‌کنیم: این بدان معنا نیست که این حکومتی الهی است. این مضمون و خلاصه مطلبی است که قبلاً بیان کردیم و تکرار کردیم و الآن بیان می‌کنیم و تا زمانی که بر این حالت باشند، در آینده نیز بر این سخن تأکید می‌کنیم.

مطلبی که از مؤمنین (خداوند به ایشان پاداش خیر دهد) می‌خواهیم، این است که به ناسزاگویی به حکومت یا براندازی حکومت جمهوری اسلامی نپردازند یا هیچ موضع دشمنانه‌ای بیان نکنند؛ به این خاطر که این مسئله، با دستورات مکتب مخالفت دارد.

نمی‌پذیریم که این گونه مسائل را درباره [حکومت] جمهوری بیان کنند یا بگویند. ما می‌شنویم که برخی از مؤمنین یا کسانی که به دعوت یمانی منسوب هستند، به حکومت اسلامی یا ولی فقیه یا برخی مرجعیت‌های دینی حمله‌ور می‌شوند. ما این مسئله را نمی‌پذیریم و مؤمنین را از این رفتارها بازمی‌داریم و اصلاً آن را نمی‌پسندیم. این مسئله، شایسته دعوت یمانی مهدوی مبارک نیست.

امیدواریم که مؤمنین به دستورات مکتب مبارک عمل کنند. خداوند، به ما و شما نسبت به مطلبی که دوست دارد و خشنود است، توفیق دهد. به مطالب پیشین، این مسئله را می‌افزایم [و تأکید می‌کنم]: الان جمهوری اسلامی، نقطه قوتی را علیه حمله آمریکایی و حمله وهابی تشکیل داده است؛ به همین خاطر این مسئله خوبی برای آنها محسوب می‌شود...»^۴

ب) اهمیت و احترام قائل شدن برای حکومت ایران به چه معناست؟

ممکن است برای برخی مومنین چنین سوالی پیش بیاید که آیا به رسمیت شناختن حکومت ایران به معنی مشروع دانستن حکومت غیرمعصوم است؟ با این وصف، تکلیف شعار اساسی دعوت، یعنی اعتقاد به "**حاکمیت الله**" و نفی حاکمیت‌های دیگر چه می‌شود؟

پاسخ این است که تنها حکومت خلیفه منصوب از جانب خدا مشروعیت الهی دارد^۵ و همه مردم باید در جهت تمکین و اقتدار حکومت الهی امام معصوم (ع) تلاش کنند، اما ممکن است امام معصوم (ع) در جهت پایه‌گذاری حکومت عدل الهی و گسترش آن، مصلحت را در تعامل با حکومت‌هایی بداند که به حق نزدیک‌تر هستند و از یاری آنان بهره‌مند شود.

به عبارت دیگر، وظیفه مومنان این است که تحت رهبری امام معصوم خویش، در پی بنیانگذاری حکومت عدل الهی باشند، و گام اول و مهمترین گام در این مسیر، اصلاح عقایدی مردم است و هر گونه ترسیم و تنظیم خط مشی اجتماعی - سیاسی تنها در اختیار رهبر الهی منصوب از جانب خداست.

^۴ . فایل صوتی و فایل پی دی اف ترجمه متن کامل این گفتگو از وبسایت رسمی زمان ظهور قابل دریافت است. لینک مستقیم این مطلب:
<http://www.zamanezohoor.com/?p=15106>

^۵ . سید احمد الحسن (ع) در کتاب نصیحتی به طلاب حوزه در این باره فرمودند: «در این عرصه چه می‌بینی؟ همه به نحوی به تنصیب مردم و حاکمیت مردم دعوت می‌کنند. در ایران (خراسان) "سید خامنه‌ای" اصلاح علنی را بر عهده دارد و با این توجیه که ولی فقیه است (یعنی با تصدی امور، امامت را بازسازی می‌کند)، و در عراق "سید محمود حسینی" اینچنین است و "سید سیستانی" به انتخابات دعوت می‌کند و ... و همه به **حاکمیت مردم** دعوت می‌کنند. فقط این دعوت یمانی مبارک به **تنصیب الهی** دعوت می‌کند نه هیچ کس دیگر، تأکید می‌کنم: نه هیچ کس دیگر.» (ص ۳۹)

مکتب شریف به عنوان تنها مرجع رسمی اعلام مواضع دعوت مبارک در یکی از پیام‌های خویش حکمت احترام قائل شدن برای حکومت ایران و دستور به حُسن تعامل با آن را چنین بیان می‌فرماید:

«... وهذا طبعاً لا يعني بحال الاقرار بشرعية الدولة الايرانية واعتبارها مظهراً من مظاهر الحكومة الالهية، ولا يعني كذلك القول بعصمتها وحرمة الاعتراض عليها وبيان مواطن الخطأ والخلل فيها كصدور الظلم منها تجاه بعض الناس او في سياسات معينة. بل ان المعصوم يرى هناك مصلحة عامة من وجود حكومة اسلامية شيعية الآن يمكن ان تساعد على تقوية دعوة الحق عاجلاً ام آجلاً... وهو ليس فيه اشكال شرعي... قد كان في دولة حاكم الحبشة نقطة قوة ساعدت كثيراً في نشر الدعوة المحمدية المقدسة.»

ترجمه: «و طبیعتاً این به معنای اقرار به مشروعیت حکومت ایران و اینکه جلوه‌ای از حکومت الهی باشد نیست، و همچنین به معنای اعتقاد به عصمت این حکومت و حرمت اعتراض بر آن و یا حرمت بیان موارد اشتباه و ایرادات آن، مثل ظلم آنها به برخی مردم و یا برخی سیاست‌های آن نیست. بلکه معصوم در اینجا از وجود حکومت اسلامی و شیعی در زمان کنونی، مصلحتی کلی را می‌بیند که دیر یا زود ممکن است نسبت به تقویت دعوت حق کمک کند ... و این نیز شرعاً اشکالی ندارد ... حکومت فرمانروای حبشه نقطه قوتی بود که در نشر دعوت مقدس محمدی بسیار کمک کرد.» (پیام مکتب در اسفند ۱۳۹۷)

توجه کنید که در ادامه این پیام مهم آمده است:

«وعلى اية حال لنترك سياسة هكذا امور لنظر وتقدير المعصوم، الذي يعتبر وجوده بيننا اكبر نقطة الهية تتطلب الشكر والتقدير.»

ترجمه: «در هر حال، ما سیاست اینچنین اموری را به نظر و ارزیابی معصوم می‌سپاریم، کسی که وجودش در بین ما بزرگترین نقطه الهی است که شکر و سپاس می‌طلبد.» (پیام مکتب در اسفند ۱۳۹۷)

و این بدان معناست که مکتب شریف از خود رای و نظر مستقلی ندارد و تنها بازگوکننده نظرات امام (ع) است. این عبارت همچنین تأکید می‌کند که با وجود امام (ع) تصمیم‌گیری در این گونه سیاست‌ها فقط بر عهده ایشان است، حتی اگر ما حکمت این تصمیمات را کاملاً در نیابیم.

برای روشن شدن بیشتر این موضوع، توجه شما را به ادامه سخنان "سید واثق حسینی" (حفظه الله) در پاسخ به سوال انصار ایرانی در گروه فیسبوکی "حم"، جلب می‌کنیم:

«... پس فردی اعتراض نکند و نگوید: اگر مثلاً این حکومت الهی نیست، چگونه این سخن را درباره‌اش می‌گویید؟ طبیعتاً این سخن، بدین معنا نیست که آن‌ها مشروعیت دارند؛ به عنوان مثال، برای شما ذکر می‌کنم. یوسف [ع] پیامبری از پیامبران است و با حکومتی همکاری کرد که در زمانش حکومتی الهی نبود. به این سخن اکتفا می‌کنم؛ عرض می‌کنم که حکومتی الهی در زمانش نبود؛ و [لیکن] اقتصادش را استوار کرد و تکیه‌گاه او شد. نتیجه این شد که تمام مردم ایمان آوردند و به توحید اقرار کردند و به سوی خداوند عزوجل بازگشتند.

مثال دیگر، رسول الله (ص) خاتم النبیین و بهترین آفریدگان خداوند است. ایشان مسلمانان را به سوی حاکم حبشه فرستاد و موضعش نیکو بود و تاریخ، آن را بیان نمود و آن را بزرگ داشت و تا الآن او را یاد می‌کند؛ باوجود اینکه اصلاً مسلمان نبود. رفتن مسلمانان به سوی حبشه و حمایت آنان از سوی حاکم نجاشی در آن هنگام، به این معنا نیست که رسول الله [ص] به ایشان گفته باشد: حکومت نجاشی، حکومتی الهی است؛ بلکه به این معناست که این حکومت، مواضع خوبی دارد. برای رسول الله (ص) خوب است که با آنها موضعی داشته باشد. چه بسا مثال‌های دیگری نیز وجود داشته باشد. اگر در تاریخ جست و جو کنید، آن را می‌یابید.

برادران! به همین خاطر از شما می‌خواهیم، این مسئله را به طور ویژه بسنجید [و در نظر بگیرید]؛ چه بسا منطقه به سوی جنگ آمریکا علیه این منطقه پیش می‌رود. به همین خاطر، اگر فردی بیاید و جمهوری اسلامی یا حکومتش را تسقیط کند و آن را تباه کند، این مسئله صحیح نیست. این خلاصه مسئله‌ای است که می‌خواهیم به شما برسانیم. خداوند به شما پاداش خیر دهد و ما امیدواریم خداوند اسبابی را فراهم کند تا جمهوری اسلامی موضعی داشته باشد که به شکل اصلی [و قابل توجه]، در زمان مناسب، به دعوت مبارک مهدوی یاری دهد، با کمک خداوند عزوجل.»

(ج) آیا انتقاد از حکومت و یا نشر مظلومیت انصار جایز است؟

هرچند طبق تاکیدات مکتب شریف، سلامت و اقتدار جمهوری اسلامی برای دعوت یمانی آل محمد (ع) اهمیت دارد، اما این به معنی آن نیست که هرگونه انتقادی به عملکرد کارگزاران آن ممنوع باشد. بدیهی است که انتقاد سازنده شهروندان در هر نظامی از مهمترین راه‌های حفظ سلامت و پایداری آن نظام به شمار می‌آید.

همانطور که پیشتر اشاره شد، مکتب شریف در یکی از نصوص خویش چنین یادآور می‌شود:

* «... واکید وجود حکومت اسلامی شیعیه معتبر تقدماً في مواجهة الغزو الامريكي وحلفائه للعالم وكذلك في مواجهة المد الوهابي الارهابي الخبيث. وهذا طبعاً لا يعني بحال الاقرار بشرعية الدولة الايرانية واعتبراها مظهراً من مظاهر الاحكومة الالهية، ولا يعني كذلك القول بعصمتها وحرمة الاعتراض عليها وبيان مواطن الخطأ والخلل فيها كصدور الظلم منها تجاه بعض الناس او في سياسات معينة.»

ترجمه: «... و مطمئناً در مواجهه با دشمن آمریکایی و هم‌پیمانانش در دنیا و همچنین در مواجهه با جریان وهابی تروریست و خبیث، وجود یک حکومت اسلامی و شیعی یک پیشرفت محسوب می‌شود؛ و طبیعتاً این به معنای اقرار به مشروعیت حکومت ایران و اینکه جلوه‌ای از حکومت الهی باشد نیست، و همچنین به معنای اعتقاد به عصمت این حکومت و حرمت اعتراض بر آن و یا حرمت بیان موارد اشتباه و ایرادات آن، مثل ظلم آنها به برخی مردم و یا برخی سیاست‌های آن نیست...» (پیام مکتب، اسفند ۱۳۹۷)

و می‌بینیم که امام احمد الحسن (ع) در پاسخ به یکی از انصار ایرانی، از اعتراضات مردم ایران نسبت به تضییع حقوقشان حمایت کردند و فرمودند: «**انا مع الشعب الايراني في مطالبته بحقوقه**: من با مردم ایران هستم در مطالبه حقوقشان». (اوت ۲۰۱۸ م)

همچنین در برخی رفتارهای خشونت‌باری که متأسفانه نیروهای امنیتی ایران علیه انصار مظلوم و بی‌دفاع امام مهدی (ع) روا داشته‌اند، امام (ع) واکنش عتاب‌آلود نشان داده، در صفحه شخصی‌شان شدیداً به این موضوع انتقاد کرده‌اند. از جمله ایشان درباره حمله به هیئت عزاداری انصار امام مهدی (ع) در شب تاسوعای سال ۱۳۹۶ چنین نوشتند:

«روز نهم محرم الحرام، نیروهای نظامی، اقدام به هجوم به خانه‌ای در شهر قم ایران نمودند که تعدادی از مومنین و مومنات و کودکان، برای برپایی عزای حسین (ع) همانند عادت شیعه در این روزهای دردناک، در آن جمع شده بودند. مداحی بود که برای حسین [ع] روضه می‌خواند و برای شنیدن مصیبت حسین (ع) جمع شده بودند و امنیت هیچ فردی را تهدید نکرده بودند و باعث آزار هیچ فردی نشدند.

ما این برخورد ظالمانه را محکوم می‌کنیم که امکان پذیر نیست از انسان سالم و عاقل صادر شود؛ چه برسد به فردی که مدعی دینداری و دنباله‌روی از محمد و آل محمد (ص) است. بله چنین برخوردهای ظالمانه و وحشیانه را در طول تاریخ، دیدیم که از اموی‌ها و عباسی‌ها و مشابه آنان رخ داده است؛ مخصوصاً در جنگ آنان علیه آل محمد و شیعیان ایشان.

متأسفانه به رغم آزادشدن ده‌ها تن از مومنین که از روی ستم و ظلم، در این حادثه زندانی شدند، ولی تا امروز برخی از اساتید و فضایی حوزه قم، بدون هیچ توجیهی زندانی هستند. به همین خاطر از عقلا و افراد **معتدل و بالانصاف** در نظام ایران و حکومت ایران خواستاریم که خود را از ستم بازدارند و این افراد معمم و فضلاً را آزاد کنند. این افراد، مردان دینی معروف به دینداری و صلاح، قبل و بعد از ایمانشان به این دعوت مبارک مهدوی هستند. این برخی از نامهای افرادی هستند که تا الان از روی ستم زندانی هستند...»^۶ (۲۲ صفر ۱۴۳۹ / ۲۰ آبان ۱۳۹۶ / ۱۱ نوامبر ۲۰۱۷)

^۶. نکته قابل توجه این است که امام (ع) در این پیام، به کلیت حکومت ایران حمله نمی‌کند، بلکه به بخشی از کارگزاران آن که مسبب این حادثه غیر اخلاقی و غیر دینی بوده‌اند، هشدار می‌دهند که این رفتارها شایسته افراد مدعی تشیع نیست؛ شاهد این نکته نیز خطاب بعدی امام (ع) به معتدلين و اهل انصاف در نظام ایران است و این نشان می‌دهد از نظر امام (ع) نباید اصل حکومت ایران، به سبب برخی سیاست‌های نادرست از سوی کارگزاران آن تخریب شود.

امام احمد الحسن (ع) همچنین پس از حوادث "تربت حیدریه" در کامنتی خطاب به انصار، ضمن ابراز همدردی، آنان را به نشر مظلومیت برادران و خواهران ایمانی‌شان ترغیب کردند:

«از شما می‌خواهم اخبار دستگیری‌ها و ظلمی که شیعیان آل محمد (ع) که به دعوت مبارک مهدوی در ایران، از جانب حکومت فقیه (به گفته خودشان) در معرض قرار دارند را در این صفحه نقل کنید تا همه دنیا مطلع شوند، و نیز مردم عراق و عاقلان شیعه اهل بیت (ع) با خبر شوند که موضع‌گیری و برخورد فقیه ایران در قبال آن دسته از شیعیان اهل بیت (ع) که با او اختلاف نظر دارند، چگونه است. برایم نقل شده، دختر بچه نوزادی که ۴ ماهه است، والدینش را دستگیر کردند و بدون شیر مادر مانده است.

شیوخ و سادات و اساتید حوزه‌های قم و مشهد که با اخلاق و دیانتشان معروف و شناخته شده‌اند، دستگیر می‌شوند و بدون هیچ خجالت و حیایی به خانه‌های ایشان هجوم برده می‌شود ... و دیگر ظلم‌ها. ای عزیزانم در ایران، ظلم‌هایی که در این روزها بر شما می‌رود، برای ما بسیار دردناک و رنج‌آور است، ولی تسلی ما برای شما این است که به زودی پیروز می‌شوید و زندانبانان زیانکار خواهند بود، ان شاء الله.» (اوت ۲۰۱۸ م)

(د) تاملی در معنای حاکمیت الله و جایگاه انتخابات

طبق آموزه‌های همه ادیان الهی، حق حاکمیت فقط از آن خدا و خلفای منصوب از جانب خداست. سید احمد الحسن (ع) در کتاب "عقائد الاسلام" (ص ۵۵) می‌فرماید:

«اصل در ولایت بر مردم، این است که مخصوص خداست و استخلاف (جانشینی) فرع بر این اصل است. لذا خلیفه خدا ولایتش فرع بر ولایت خداست و کسی حق ندارد ولایت خدا را به کس دیگری منتقل کند مگر با دلیل شرعی قطعی.

بنابراین اصل این است که ولایت بر مردم فقط برای خدا ثابت است و هیچ انسانی بر انسان دیگری مگر با دلیل قطعی، ولایت ندارد؛ اما این که بگویند حاکم (هر کدام از خلفایشان) بر مردم ولایت ندارد، به این معناست که اصل حکومت و حاکمیتش نقض شده و باطل می‌گردد؛ اما این که بگویند که ولایت او بر مردم مانند ولایت شخص نصب‌شده از جانب خداست، پس باید دلیل قطعی و نص تشخیصی از سوی خدا برای هر فردی که مدعی خلافت و ولایتش بر مردم است، بیاورند.»

دکتر علاء السالم به عنوان سخنگوی رسمی مکتب نجف اشرف در مصاحبه با تلویزیون ماهواره‌ای "دجله" عراق می‌گوید:

«اگر از بنده بخواهید که به شکل مختصر حاکمیت خداوند را بیان کنم، اینگونه است که مردی که نسبت به خون‌ها چیره و مسلط است ... یا به تعبیری سیاسی امروزه: "فرمانده کل نیروهای مسلح"، این فرد باید به شکل دینی تأیید شده باشد. به این معنا که یا خلیفه خداوند باشد، یا اینکه از سوی خلیفه خداوند منصوب شده باشد؛ یا حداقل جایگاهش از سوی خلیفه خداوند تأیید شده باشد.» (رمضان ۱۴۳۸)

اما چنانکه اشاره شد، این اعتقاد بنیادین به معنای دشمنی دعوت‌های الهی با همه حکومت‌های غیر شرعی نیست، بلکه نحوه تعامل با حکومت‌های موجود، بستگی به رأی و نظر معصوم (ع) در هر زمان دارد؛ حتی این امکان وجود دارد که امام معصوم (ع) در جامعه‌ای که هنوز آمادگی پذیرش حاکمیت الله را ندارند، پیشنهادهایی برای کاهش نسبی مفاسد موجود ارائه کند و این مطابق با حکمت و رحمت اولیای الهی است. در همین راستا می‌بینیم امام احمد الحسن (ع) که با نگرانی، اوضاع تاسف‌بار و نا به سامان عراق را دنبال می‌کنند، پیشنهاد تشکیل "دولت‌های بخش مستقل" به ریاست "سید جعفر صدر" - یکی از چهره‌های سیاسی معتدل و محبوب - را مطرح می‌کنند و در یکی از پیام‌هایشان خطاب به امیران قبایل و شیوخ عشایر چنین هشدار می‌دادند: «لطفاً عراق را در حالی رها نکنید که فرو می‌پاشد و شما نگاه می‌کنید.» (۲۲ ژوئیه ۲۰۱۸ م)

ایشان در پاسخ به فردی که تصور می‌کرد این پیشنهاد امام (ع) در تناقض با شعار "حاکمیت الله" است، فرمودند:

«... شما می‌دانی که من، آنان را نصیحت نمودم و راه را بیان کردم؛ ولی آنان، رفتن به سویی دیگر را خواستار شدند و به آنچه در آن هستند، رسیدند؛ آیا نظرت این است که بنشینم و مثلاً به آنان ناسزا بگویم؟! قطعاً خیر؛ این اخلاق ما نیست؛ و به همین خاطر است که با تمام آنچه انجامش برایم امکان‌پذیر است، تلاش می‌کنم تا [آنان را] یاری و مساعدت دهم...» (پیام فیسبوک، ژوئیه ۲۰۱۸ م)

شایان توجه است که اعتقاد به حاکمیت الله مستلزم نفی هرگونه "انتخابات" هم نیست. امام احمد الحسن (ع) در مصاحبه با رادیو دیترویت به تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۹۴ در این باره فرمودند:

«انتخابات به خودی خود از باب انتخاب شخصی که نماینده مردم باشد، اشکالی ندارد، یعنی شخصی را انتخاب کنند که از طرف آنها سخن بگوید یا قانونی که آنها دارند را اجرا و اداره کند. همچنین انتخابات زیر سایه نظام حاکمیت خدا اشکالی ندارد، یعنی سلطنت در اصل برای خلیفه خدا باشد و فقط او در مورد مسائلی که مربوط به جان مردم است تصرف کند.

اشکال در این است با انتخابات، حاکم اصلی انتخاب شود، یعنی کسی که حق تصرف در جان مردم را دارد و این همان چیزی است که امروز در کشور عراق وجود دارد و همین امر موجب شد که ما بگوییم که این نظام از ناحیه شرعی و دینی (به حسب اعتقاد ما و معرفت ما به دین خدا) باطل است، دقیقاً مانند سایر نظام‌های باطل. و اعتقاد داریم که فقهایی که این امر را حلال کردند و موجب شدند که بعضی از شیعیان آل محمد (ص) تصور کنند که این نوع حکومت همان نظام دینی است، همگی عهده‌دار خون‌هایی هستند که زیر سایه این حکومت به ناحق ریخته شده. و طبعاً می‌بینیم که کسانی که دیروز این انتخابات را تجویز کردند، امروز تلاش می‌کنند که خود را از کردار دیروزشان و نتایجش تبرئه کنند (و در قامت منتقد ظاهر شده‌اند)!!»

بنابر این، دعوت ایمانی با نفس انتخابات و صندوق رأی مخالفتی ندارد، بلکه آنچه پذیرفتنی نیست، جایگزین کردن حکومت "غیر خدا" به جای حکومت خداست. دکتر علاء السالم، سخنگوی رسمی مکتب نجف نیز در این باره می‌گوید:

«فردی تصور نکند که ما ضد انتخابات هستیم. مردم یا بشریت امکان دارند که در انتخاب حاکم مشارکت داشته باشند، ولی این انتخاب باید تحت اشراف این مرد باشد که از سوی خداوند تبارک و تعالی، تزکیه و پاک شده است.» (مصاحبه با شبکه دجله، رمضان ۱۴۳۸)

در میان حکومت‌های موجود در عصر ما، تنها حکومت شیعه ایران است که کوشیده اعتبار حاکم اصلی خویش را در ذیل حاکمیت خدا تعریف کند. در همین راستا، نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی، بالاترین مقام سیاسی کشور را در انحصار فقیه‌ی دانسته‌اند که از نظر آنان دارای ولایت شرعی و «نیابت» از جانب امام زمان (ع) است و مشروعیت حکمرانی این فقیه را به رای مردم نمی‌دانند. به همین دلیل، سید احمد الحسن (ع) نسبت به برگزاری انتخابات در ایران هیچ‌گاه موضع منفی اتخاذ نکرده‌اند. ایشان در مصاحبه رادیویی مذکور، چنین ادامه می‌دهند:

«من یاد دارم که هنگامی که فقهای نجف مردم عراق را دعوت می‌کردند برای شرکت در انتخابات قانون اساسی و سپس انتخابات و بلکه انتخاب اشخاص و احزابی خاص که همان‌ها امروز سبب استیصال و گرفتاری عراق و مردم شده‌اند، در آن هنگام من از مؤمنین و مردم خواستم که در این انتخابات شرکت نکنند و بیان کردم که این کارشان شیعیان اهل بیت (ع) را فریب می‌دهد، چون کاری می‌کند که این شیعیان گمان می‌کنند که این انتخابات همان طریق شرعی برای انتخاب حاکم اصلی مسلط بر جان مردم است. در نتیجه فلان و بهمان پیروز شدند و بر اوضاع مسلط شدند و خیال کردند که یکی از حقوقشان این است که در جان مردم تصرف کنند و ما امروز شاهد نتایج کارهای آنها هستیم، چون خون با خون شسته می‌شود.

یادم هست که در آن هنگام که چنین سخنی گفتم و دفتری در نجف داشتم که مردم و بعضی از طلاب حوزه در آنجا من را ملاقات می‌کردند، یکی از روزها یک سید معمم (وکیل یکی از مراجع نجف) با من صحبت کرد و اعتراض نموده و گفت: تو چرا به ما به خاطر دعوت مردم به شرکت در انتخابات اعتراض میکنی و به انتخابات در ایران اعتراض نمی‌کنی؟! آیا این تناقض نیست؟ یعنی این سید گمان می‌کرد که رفتار و گفتار من دارای تناقض است.

به او گفتم که شما مردم را دعوت می‌کنید برای انتخاب حاکم اصلی که مسلط بر خون و جان مردم است و کاری می‌کنید که شیعیان آل محمد گمان کنند که این همان طریقه شرعی برای انتخاب حاکم اصلی مسلط بر جان مردم است، اما در ایران می‌گویند: فقیه ولایتی دارد که تجلی و تمثیل امتداد ولایت معصوم است و در زیر سایه ولایت فقیه، انتخابات جریان دارد، یعنی حاکم اصلی مسلط بر خون و جان مردم نزد آنها، همان فقیه است که آنها مدعی ولایت برای او هستند. پس سخن ما با آنها تفاوت دارد و در موضوع دیگری است. سخن ما با آنها در مورد اصل این ولایت ادعایی برای فقیه است که آیا هیچ دلیلی بر این ولایت ادعایی وجود دارد یا خالی از هر گونه دلیل عقلی و نقلی است؟

طبعاً این همان اعتقاد ماست که آن ولایتی که برای فقیه ادعا می‌کنند، عقیده‌ای بدون دلیل است و این امر را در بحث تفسیر آیه اكمال الدین در برنامه «الملتقى الاسبوعی» معهد دراسات علیای نجف ارائه دادم و می‌توانید آن را بشنوید و مطالعه کنید و آنچه در آنجا پیرامون غیبت امام مهدی (ع) و ادعای کسانی که مدعی نیابت عامه در امر دین و ... هستند را بشنوید.»

آری، سید یمانی (ع) در آثار خویش، به صورتی کاملاً علمی و متقن به بررسی و نقد نظریه ولایت فقیه پرداخته‌اند و نادرستی آن را به روشنی نشان داده‌اند.^۷

اما آیا نقد نظریه ولایت فقیه الزاماً به معنی دشمنی با حاکمیت ایران است؟ هرگز! نظریه ولایت فقیه نظریه‌ای فقهی به شمار می‌آید و حتی بسیاری از فقهای سرشناس گذشته و معاصر شیعه نیز با آن موافق نبوده و نیستند. بدیهی است که اختلاف نظر در یک مسئله فقهی، هرگز مجوزی برای تکفیر یا قلع و قمع سایرین فراهم نمی‌آورد.^۸

امام احمد الحسن (ع) در بیانی کریمانه، خطاب به کسانی که نسبت به اختلاف عقیدتی با دعوت مبارک احساس نگرانی دارند، می‌فرماید:

«... اما دیگران باید این مسئله را بفهمند که اختلاف من با شما در چگونگی نوع حکومت شرعی، به این معنا نیست که من با شما دشمن هستم. از دیدگاه ما، اختلاف در عقیده به این معنا نیست که من می‌خواهم با تو دشمنی کنم و تو را بکشم و با زور به حکومت تسلط پیدا کنم و تو را به قبول عقیده و فکر خودم مجبور کنم، هرگز، این هدف ما نیست. ما می‌گوییم که عقیده دین الهی و اسلام و محمد و آل محمد (ص) این است که حاکمیت برای خداست و جایز نیست که حاکم اصلی که درباره خون‌ها و جان‌ها حکم می‌کند، از سوی مردم تعیین شده باشد و بر حکومت مسلط شده باشد...» (مصاحبه با رادیو دیترویت، ۲۹ دی ۱۳۹۴)

ه) ما به دنبال چه هستیم؟ و روش حرکت ما کدام است؟

بی‌تردید، ایمان به دعوت یمانی آل محمد (ع) پیوندی ناگسستنی با نصرت و یاری‌رسانی به آن دارد. به عبارت دیگر، معنا ندارد که کسی مدعی ایمان به امام معصوم (ع) باشد، اما نسبت به یاری ایشان کوتاهی کند. خدای متعال در آیه ۹۷ سوره مبارکه نساء می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا: کسانی که فرشتگان جانشان را می‌ستانند درحالی که بر خویشتن ستم کرده بودند، از آن‌ها می‌پرسند: در چه کاری بودید؟ گویند: ما در روی زمین

^۷. ایشان در پاسخ به سوال شخصی در مورد ولایت فقیه، چنین تصریح می‌کنند: «نسبت به ولایت فقیه، هیچ دلیل نقلی و عقلی وجود ندارد، بلکه دلیل شرعی و عقلی، بر ضد آن وجود دارد؛ و این مسئله را در بحث آیه "اکمال الدین" بیان کردم، و برای شما امکان‌پذیر است که آن را بشنوی؛ همچنین این مسئله را در کتاب عقاید اسلام بیان کردم [که] اصالتاً ولایت برای خداوند سبحان است و ولایت فقط برای فردی است که خداوند سبحان، با نص بر او، به وی ولایت داده است.» (کامنت فیسبوک: ۲۲ آوریل ۲۰۱۸ م)

^۸. شیخ ناظم عقیلی (حفظه الله) در پیامی خطاب به کارگزاران حکومت ایران نوشتند: «آیا در شهرهای ایران شما، زندگی و وجودی جز برای کسی که موافق و معتقد به ولایت فقیه باشد نیست؟!» (۲۹ اوت ۲۰۱۸ م)

مردمی بودیم مستضعف و زبون گشته. گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟ مأوی و جایگاه اینان جهنم است و چه بد سرانجامی است.»

امام احمد الحسن (ع) در تفسیر این آیه شریف، هشدار تکان دهنده‌ای به مومنان می‌دهند. ایشان می‌فرمایند:

«این‌ها ایمان به ولیّ خدا را اظهار می‌کنند و ادعای ایمان به ولایت دارند ولی بدون عذر واقعی، در عمل کوتاهی می‌ورزند و این فقط به خاطر نفاق است که در دل‌هایشان نهفته است و آن‌ها این‌گونه می‌گویند که ما "مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ" در روی زمین مستضعف و زبون گشته "هستیم؛ ولی استضعاف آن‌ها واقعی نیست، بلکه با حُب دنیا و تمایل به آن، و نیز حُب زندگی و ترس از مرگ، خود را زبون و مستضعف نموده‌اند؛ چراکه اگر ایمانشان واقعی می‌بود، اقدام به عمل همراه با ولیّ خدا می‌کردند؛ حتی اگر در معرض خطرات قرار می‌گرفتند.»

امام (ع) در تفسیر "أَرْضُ اللَّهِ" هم می‌فرمایند: «ولیّ خدا و علم فراگیر او همان زمین پهناور خداوند است ... تا به سوی خدا در ولیّ خدا مهاجرت کنید.» بنابر این، مومن حقیقی در عمل به فرمان امام خویش کوشاست و بی‌تردید، هرگونه کوتاهی به خاطر حب دنیا و ترس از مرگ، کاشف از نفاق درونی خزنده و خطرناکی است که باید از آن به خدا پناه بُرد.

از طرفی می‌دانیم که طبق تصریح امام احمد الحسن (ع)، «بهترین عمل در زمان، رساندن حق به مردم است تا آنها را از دام ابلیس نجات دهید.»^۹ (پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۵، س ۴۰۷) بنابر این، تبلیغ دعوت حق به مردم هویت ماست و هیچ کس نمی‌تواند آن را از انصار امام مهدی (ع) بگیرد؛ اما شیوه درست عمل در این مسیر کدام است؟

در مذهب حقیقی آل محمد (ع) هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و هیچ مومنی اجازه ندارد از ابزارهای غیرشرعی و یا غیراخلاقی، حتی برای یاری دعوت حق استفاده کند. سید احمد الحسن (ع) در صفحه فیسبوک خویش، ضمن اشاره به اخلاق الهی "مسلم بن عقیل" به عنوان فرستاده امام حسین (ع) در مواجهه با دشمن خون‌خواری چون عبید الله بن زیاد، چنین نگاشتند:

«زمانی که ابن زیاد در خانه هانی بن عروه زیر تیغ شمشیر مُسْلِم بن عقیل بود، مسلم اقدام به کشتن او نکرد؛ این حرکت، گامی بود که شریک همدانی و هانی را که رئیس قبیله و از شرافتمندانی بودند که بسیار به اخلاق اهمیت می‌دادند، گیج کرد؛ زیرا آنان اخلاق مسلم را درک نکردند، [اخلاقی] که او را از ناجوانمردی و غافل‌گشی حتی نسبت به دشمن‌ترین دشمنانش باز می‌داشت.

آن‌جایی که سپاه یزید لعین برای محاصره امام حسین (ع) آمدند و ایشان را مجبور به فرود در کربلا کردند تا زمینه شهادتش فراهم شود، با اینکه آنان دشمنانی بودند که برای قتل ایشان آمده بودند، آنان را سیراب نمود.

^۹ . امام احمد الحسن (ع) در پاسخ به سوالی از سوی سید پاک، سید حسن حمّامی (حفظه الله) درباره مقدار واجب تبلیغ فرمودند: «بر مومن واجب است هر آنکه را بتواند تبلیغ کند، ولی توضیح و تفصیلش بر او واجب نیست؛ بلکه گفتن اجمالی هم کفایت می‌کند، مثل: امام مهدی (ع) فرستاده‌ای به نام فلانی فرستاده است. (پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۲، س ۱۴۹)

علی(ع) به سفیران معاویه احترام می‌گذاشت، با اینکه معاویه، رهبر یک دولت دیگر نبود و فقط یک مجرم بود که از دولتی عادل ترمز نموده بود؛ علی(ع) هرگز اجازه نداد در دولتش به یک شخص غریب تجاوز و ظلم شود، و هرگز اجازه نداد در دولتش به سفیری ظلم شود، و هرگز غافل‌گشتی نکرد، هرگز پیمانی نبست که آن را شکسته باشد، ظاهر و باطنش مخالف یکدیگر نبود ... نزد "علی" و "حسین" و "مسلم"، پیروزی هدف نبود ...» (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸ م / ۸ مهر ۱۳۹۷)

دعوت اولیای الهی نه تنها از هر رفتار غیر شرعی و یا غیر اخلاقی میراست، بلکه مبتنی بر اخلاق کریمانه و والاست و جز از کلام حکیمانه، موعظه نیکو و بهترین وجوه گفتگو بهره نمی‌گیرد:

* «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانایتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] دانایتر است» (النحل: ۱۲۵)

سید احمد الحسن (ع) در مصاحبه صوتی خویش با رادیو المنقذ دیترویت، بر تبعیت از قرآن و سیره معصومین (ع) در تبلیغ چنین تاکید کردند:

«نحن ندعو الناس بالحكمة والموعظة الحسنة كما أمرنا الله سبحانه وتعالى في القرآن، وكما فعل سلفنا من الأئمة الصالحين صلوات الله عليهم، ومن يريد أن يسمع أنا أزيده، ومن يرفض فهو في طريقه، ونحن في طريقنا. ودائماً أقول للمؤمنين تعاملوا مع الإنسان المحترم برحمة وشفقة وإن خالفنا. وهذا قانون عام لتعاملنا مع الآخرين ممن لا يتفقون معنا سواء في حال كنا ندعوهم للحق، أم نتعامل معهم في تعاملات الحياة اليومية والطبيعية ككل الناس: ما مردم را با حکمت و موعظه حسنه دعوت می‌کنیم، همان‌طور که خدای سبحان و بلند مرتبه در قرآن به ما امر کرد و همان‌طور که گذشتگان ما، امامان صالح (ع) عمل کردند. و هر کس که بخواهد بشنود بیشتر به او می‌گوییم و هر کس رد کند، پس او در طریق خود و ما در راه خویش هستیم. و همیشه به مومنین می‌گوییم که با انسان محترم با مهربانی و دلسوزی رفتار کنید، هرچند مخالف ما باشد. این قانون کلی برای رفتار ما با کسانی است که با ما اتفاق نظر ندارند؛ فرقی ندارد که در حال رساندن دعوت حق به آنها باشیم یا در ارتباطات زندگی روزمره باشد، مانند ارتباطات همه مردم ...» (۱۹ ژانویه ۲۰۱۶ / ۲۹ دی ۱۳۹۴) ^{۱۰}

^{۱۰} امام (ع) در کلامی پدرا نه به انصار امام مهدی (ع) یادآور می‌شوند که: «نیامده‌ام تا خانه‌های مردم و ارتباطات اجتماعی ایشان را نابود کنم، بلکه آمدم تا "انسان" بسازم و حقیقتش را به او بشناسانم، اگر خواهان شناخت برای رسیدن به خدا باشد، تا فرستاده خداوند و سفیر او در خلش بشود. آنچه از شما در این برهه می‌خواهم این است که دین حق را بیاموزید و فرستادگان خداوند به سوی نزدیکان و جامعه خویش باشید.» (پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۷، ص ۷۶۲)

امام (ع) همچنین در کتاب روشنگری‌ها می‌نویسند:

« پیامبران و فرستادگان حجت بالغه (دلیل رسای) خدا را اقامه می‌کنند و حجاب‌ها را از مقابل بصیرت انسان کنار می‌زنند و سپس او را تنها می‌گذارند تا خودش انتخاب کند، یا چشمانش را می‌گشاید و به سوی نور می‌رود و یا چشمانش را می‌بندد و حجاب [ظلمانی] را بر نفس خویش فرو می‌کشد! » (روشنگری از دعوت فرستادگان، ج ۱، ص ۱۸)

امام احمد الحسن (ع) حتی نسبت به کسانی که اساساً ملحد هستند و یا از دین الهی مرتد شده‌اند، اقامه حجت نموده‌اند و از دلسوزی و تلاش برای نجاتشان دریغ نورزیده‌اند:

«به کشتن مرتد یا ملحد یا بی‌دین فتوا نمی‌دهم؛ و موضع من با نگارش کتاب "توهم‌بی‌خدایی" روشن است.»
(کامنت فیسبوک ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ / ۳۱ فروردین ۱۳۹۷)

پس در دین خدا اکراه و اجباری نیست، و این خود انسان است که سعادت و یا شقاوت خویش را برمی‌گزیند؛ اما چرا بسیاری از مردم در طول تاریخ، کلام نورانی حجت‌های الهی را از تشخیص نداده‌اند و راه کفر و عناد را برگزیده‌اند؟ برآستی آیا راهی برای انتخاب درست وجود دارد؟ امام احمد الحسن (ع) یک شاه‌کلید از قرآن به ما معرفی می‌کند: **"کفر به طاغوت"**:

«انسان‌ها فطرت خویش را آلوده نمودند و گوش‌های خویش را از شنیدن صدای حق بازداشتند و قلب‌هایشان را با آلودگی‌های مادی و هوا و هوس غافل ساختند. پس این گناه و خطای انسان‌هاست و بر آنهاست که از آن بیرون بیایند تا صدای حق را بشنوند... کفر به طاغوت در کم‌ترین حدّ خود، آزادگی انسان را از محدودیت‌هایش بیشتر می‌کند تا صدای حق و صدای خداوند را بشنود.»

پس کفر به طاغوت مقدمه‌ای قلبی برای شناخت حق است، و الزاماً به معنای پرخاش و تندى علیه دیگران نیست. به یاد داشته باشیم روش مواجهه با اهل باطل قواعدی دارد که آن را خدا و حجت خدا در هر زمان تعیین می‌کنند. سید احمد الحسن (ع) در همان مصاحبه ۲۹ دی فرمودند:

«دعوت یمانی بین مردم تفرقه نمی‌اندازد. بلکه دعوتی برای اجتماع حول حق است که با ادله عقلی و منطقی و شرعی می‌باشد. دعوتی به حکمت و موعظه حسنه است و ما نسبت به هیچ فردی ابتداً دشمنی نداریم. آنچه در مورد مخالفین مان مطرح می‌کنیم مناقشه علمی و بیان فساد نظراتشان از جهت علمی و با ادله عقلی و منابعی که به آن معتقد هستند می‌باشد.»

با این حال، مخالفین و معاندین به دلیل وحشت از منطق استوار دعوت و گرایش روزافزون مردمِ پاک‌نهاد به آن، از هیچ‌گونه نشر تهمت و توهین علیه آن فروگذار نبوده، بارها و بارها اقدام به حمله نظامی و خشونت‌بار علیه انصار امام مهدی (ع) کرده‌اند. در مقابل اما، انصار امام مهدی (ع) تنها به **"روشنگری"** و **"دفاع"** مظلومانه از خویش پرداخته‌اند. امام احمد الحسن (ع) در سال ۲۰۱۷ و پس از حمله نیروهای امنیتی عراق به مکتب ایشان، در پیام مهمی فرمودند:

«... دوست داریم که برای شما بیان کنیم و به شما اطمینان دهیم که برای ما امکان‌پذیر نیست که زندگی یا امنیت فردی از شما را مورد هدف بدی قرار دهیم. دعوت ما، عقایدی است و از روز اول دعوت، به حکمت و موعظه حسنه دعوت می‌کرد. گاهی اوقات نسبت به عقیده معین یا اندیشه معینی که با آن اختلاف داریم، انتقاد می‌کنیم.

ولی این مسئله، اصلاً به این معنا نیست که ما می‌خواهیم به امنیت افرادی که این عقیده را دارند و به آن اعتقاد دارند، اخلال وارد کنیم. برخی از افراد امنیتی و محافظ هستند که وظیفه محافظت از مرجعیت‌های در نجف را دارند و جزو مومنین به این دعوت هستند و مدتی قبل، از من پرسشی پرسیدند که آیا بر ما لازم است که از این کار، استعفا بدهیم و دوری کنیم؟ ولی من آنان را به انجام کار واجیشان که نسبت به آن تکلیف شدند، به بهترین شکل و کامل‌ترین صورت راهنمایی کردم. بدانید که خون و امنیت شما، نزد ما مورد احترام است و مخصوصاً غیرعراقی‌ها. دوست داریم که به آنان اطمینان بدهیم و بیان کنیم که آمادگی حمایت از ایشان را داریم و آنان را آزار نمی‌دهیم. دعوت مهدوی، جهانی است و انصار آن، در برخی از کشورها، بیشتر از انصار آن در عراق هستند...» (پیام فیسبوک، ۷ شوال، ۱۴۳۸ / ۲ ژوئیه ۲۰۱۷)

دکتر علاء السالم سخنگوی رسمی مکتب نجف نیز در گفتگوی تلویزیونی در پاسخ به مجری برنامه درباره رابطه دعوت یمانی با مرجعیت می‌گوید: «درباره ارتباط ما با مرجعیت دینی [باید بگوییم]: مانند ارتباط ما با دیگر مردم است. یعنی ما برای همگی، خیر و خوبی را آرزو می‌کنیم؛ و در دل‌هایمان، هیچ دشمنی و کوتاهی دید و کینه‌ای نسبت به دیگران نداریم...» (مصاحبه با شبکه دجله، رمضان ۱۴۳۸)

آیا ورود به مسائل سیاسی، تطبیق مصادیق و تهاجم به بزرگان جایز است؟

از آنجا که بحث بر مسائل سیاسی عینی و تطبیق مصادیق غالباً منجر به جدال‌های ناپسند و کشمکش‌های آسیب‌زا می‌شود، امام احمد الحسن (ع) و مکتب شریف مومنین را از ورود به چنین مسائلی برحذر می‌دارند. امام (ع) در پیامی خطاب به انصار آرژانتینی امام مهدی (ع) فرمودند:

* «... ارجو منکم وانتم تدعون الناس حول العالم وخصوصاً غیر المسلمین ان تبتعدوا عن مناقشة الحاکمیه والأمر السیاسیه المتعلقه بالدين والاكتفاء بالنقاش الديني العقائدي فقط : ... از شما می‌خواهم در حالیکه مردم جهان و مخصوصاً غیرمسلمین را دعوت می‌کنید، از مناقشه در [مصادیق] حاکمیت و امور سیاسی متعلق به دین دوری کنید و به بحث و مناقشه‌ی دینی عقایدی اکتفاء کنید.» (پیام فیسبوک؛ ۲۱ صفر ۱۴۳۸)

ایشان همچنین در پاسخ به سوال یکی از انصار ایرانی تاکید کردند:

* «... بیان الحاکمیه والعقائد الصحیحة فلاشکال فيه ولكن دون تهجم أو استفزاز للآخرین فلیکن

نقاش وکلام علمی وطرح الحجة والدلیل : ... بیان حاکمیت و عقائد صحیح هیچ اشکالی ندارد، ولی بدون

تهاجم و تحریک دیگران، پس باید بحث و گفتار [صرفاً] علمی و [همراه با] طرح حجت و دلیل باشد.» (کامنت فیسبوک: ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ م)

مکتب شریف سید احمد الحسن (ع) ضمن پیامی خطاب به انصار ایران چنین تأکید کرده است:

*** «... يجب الالتزام بتوجيهات السيد احمد الحسن (ع) و مكتبه المبارك حول احترام رموز المخالفين و تجنب السب و الشتم و التهجم الغير مبرر و ان يكون الجميع عناصر منتجة و نافعة و طيبة في المجتمع.»**

ترجمه: «التزام به دستورالعمل‌های سید احمد الحسن (ع) و مکتب مبارک ایشان درباره احترام به نمادهای مخالفین و پرهیز از دشنام و ناسزا و حمله [به مخالفین] - که غیر قابل توجیه است - واجب است و اینکه همگان عناصری سازنده، مفید و خوب در جامعه باشند.» (پیام مکتب؛ ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹ / ۱۵ اسفند ۱۳۹۶)

مکتب شریف همچنین در رهنمود دیگری، انتظار خویش را از مومنین چنین بیان می‌کند:

*** «... الحرص على طرح الدعوة بهدوء وحذر وتجنب الاساليب الغير حضارية او الاستفزازية.»**

ترجمه: «... و حریص بودن نسبت به مطرح کردن دعوت با آرامش و احتیاط و پرهیز کردن از روش‌های غیرمتمدنانه یا تحریک‌آمیز (تنش‌آفرین).»^{۱۱} (پیام مکتب، ۲۴ فوریه ۲۰۱۹)

یکی از مسائلی که به آرامش و احتیاط در تبلیغ آسیب وارد کرده، به التهاب‌های زیانبار دامن می‌زند، اقدام به مناظرات بدون چهارچوب صحیح با مخالفین است. از همین رو، مکتب شریف برگزاری هرگونه مناظره سطحی، با افراد بدون شناسنامه و فاقد شروط لازم برای گفتگوی علمی را منع نموده و از انصار خواسته است که توان و وقت خود را در جهت تبلیغ و هدایت مردم به کار گیرند.

در پاسخ مکتب مبارک به درخواست مناظره با یکی از مخالفین چنین آمده است:

*** «كما تعلم فقد أثبتنا حجتنا بالدلة العلمية النقلية والعقلية بما لا شك فيه. ولدینا العديد من المناظرات العلمية المنشورة. فلا داعي لمناظرة هذا وامثاله. نعم ان كان يمثل جهة معينة ويتحدث**

^{۱۱}. مکتب شریف نسبت به بعضی از روش‌ها مانند نوشتن بر روی دیوار و توزیع نوشته‌ها و آگهی‌ها در سطح شهر و مهر زدن بر روی پول‌های کاغذی فرمودند: «نرجو من المؤمنین الکرام الابتعاد عن هذه الامور الغير لائقة والتي تسبب للدعوة المباركة الأذى، وأن يكون التبلیغ بشكل حضاری لائق يتناسب مع مكانة الدعوة المباركة.» ترجمه: «از مؤمنان گرامی امید داریم (خواهشمندیم) که از این امور غیر مناسب و هرکاری که موجب اذیت و آزار برای دعوت مبارک می‌شود دوری کنند و اینکه تبلیغ به شکل متمن و شایسته و متناسب با جایگاه دعوت مبارک باشد.» (پیام مکتب؛ ۲-۲۰۱۹)

یاسمها. فتوجد لدينا شروط للمناظرة ان انطبقت عليه يمكن مناظرته. ونرجو منكم بيان الحق للناس والسعي لهدايتهم.»

ترجمه: «همان‌طور که می‌دانید ما حجت خود را با دلایل علمی نقلی و عقلی - که هیچ شک و تردیدی در آن نیست - ثابت کرده‌ایم، و مناظرات علمی منتشر شده‌ی بسیاری نیز داشته‌ایم؛ پس نیازی برای مناظره با چنین [شخصی] و امثال او نیست؛ آری مگر به نمایندگی از جریان مشخصی باشد و به نام آن جریان سخن بگوید؛ [در این صورت] ما شرط‌هایی برای مناظره داریم که اگر بر او منطبق باشد، می‌توان با او مناظره کرد. و از شما امید [و انتظار] آن را داریم که حق را برای مردم بیان، و در جهت هدایتشان تلاش کنید.» (۴ رمضان ۱۴۴۰)

در پایان، پای کلام شیوا و دلنشین نمایندگان امام (ع) درباره تبلیغ شایسته می‌نشینیم. سید واثق حسینی (حفظه الله) در پاسخ به اینکه توصیه شما به مؤمنین در جمهوری اسلامی درباره تبلیغ و مسائل عمومی چیست؟ فرمودند:

«ما همه مؤمنین را به تبلیغ و دعوت به "حکمت" و "موعظه حسنه" فرا می‌خوانیم و اینکه روش [تبلیغ] "علمی" و "اخلاقی" باشد و در آن، به هیچ فردی بی‌ادبی نشود. وظیفه شما در این مرحله، بیان حق به مردم است. و بیان حق، با مدارا و نرمی، بدون اینکه به بزرگی کسی تعرض شود؛ یا اینکه روش، نفرت آمیز باشد یا اینکه در مسائل سیاسی وارد شوید [در چنین مسائلی وارد نشوید]. شما نسبت به چنین مسائلی، بی نیاز هستید.

عزیزانم! با توجه به دستوری که امام (ع) داده است، تبلیغ بر همه مؤمنین واجب است، ولو اینکه با دو کلمه باشد؛ اینکه فرستاده امام مهدی ظهور کرده است و نامش فلانی است. در مقابل، امام ما، احمد الحسن (ع)، همان‌طور که ما را به تبلیغ و عمل و هدایت و ارشاد مردم دعوت کرده است و اینکه راه حق و صلاح را به دیگران بیان کنیم، ما را به راه‌های رساندن حق به مردم نیز دعوت کرده است؛ و ما را به این مسئله فراخوانده که دعوت مردم توسط ما، با مدارا و نرمی باشد؛ روش ما، روش محمد و آل محمد (ع) باشد؛ و نیز ما را به این مسئله فراخوانده است که مردم را با "حکمت" و "موعظه حسنه" دعوت کنیم و با روشی که نیکوتر است، با آنان سخن بگوییم و جدال نکنیم.

ایشان (ع) از ما خواسته که در رساندن حق به مردم، شکبیا باشیم و برای هدایت ایشان، عمل کنیم. این توصیه‌های امام [ع] است و مکتب همیشه نسبت به این مسئله راهنمایی می‌کند؛ تا مؤمنین، به آن ملزم باشند.

عزیزانم! آنچه از شما می‌خواهیم این است؛ از شما می‌خواهیم همان‌طور که مردم را تبلیغ می‌کنید، به بزرگان ناسزا نگویید؛ و به هیچ یک از حکومت‌ها و به افراد مشخصی حمله‌ور نشوید. هر انسانی احترامی دارد و هر انسانی حق دارد. تجاوز به حرمت دیگران را اصلاً نمی‌پذیریم و از خداوند می‌خواهیم که ما را به هر مسئله‌ای که خیر و صلاح در آن است، موفق بدارد.»^{۱۲}

^{۱۲}. دیدار نمایندگان امام احمد الحسن (ع)، شیخ حبیب سعیدی و سید واثق حسینی (حفظهما الله) با انصار امام مهدی (ع) در گروه فیسبوکی "حم" (حسینی و مدرسه انصار امام مهدی علیه السلام) به مناسبت آغاز سال نوی شمسی، به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۷.

همچنین شیخ حبیب سعیدی در تکمیل کلام سید واثق (حفظه الله) فرمودند:

«علاوه بر سخنی که برادر سید واثق (خداوند حفظشان کند) بیان کردند، سخنی در همین مضمون و جنبه دیگری دارم. همان طور که امام احمد الحسن (ع) به ما دستور داده است، فرمودند که به اخلاق قرآن و آل محمد [ع] ملزم باشید و فردی که با این اخلاق مخالفت کرده است، اخلاقی اخلاق شیطان است؛ پناه بر خدا. بر ما لازم است نسبت به آنچه امام (س) به ما دستور داده است، ملزم باشیم؛ یعنی با امام حرکت کنیم؛ به امام (س) پیوندیم.

چگونه باید به امام پیوندیم؟ با دنبال کردن مکتب امام (س) به او می پیوندیم؛ به این خاطر که دستورات امام (س) از راه مکتبش صادر می شود. دستورات مکتب را دنبال کنیم؛ یعنی دستورات امام (س) اگر ما را از مسئله ای بازداشتند، باز ایستیم و زمانی که به ما دستور دادند، آن را اجرا کنیم. بر ما لازم است که با تمام مردم مدارا کنیم، تمام مردم! نه فقط مؤمنین و مسلمانان؛ خیر، با همه آفریدگان. **"الْحَلَقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ"** همه خلق خانواده خداوند هستند." و مهربان ترین فرد نزد خداوند، کسی است که نسبت به خانواده خداوند سبحان و متعال مهربان تر است.

از اهل بیت [ع] نیز حدیثی به این مضمون رسیده است که شما بهتر می دانید. مردم مخصوصاً در آخرالزمان، نسبت به احادیث اهل بیت [ع] مُشمَّز می شوند. "اسلام غریبانه آغاز شد و همانطور که غریبانه آغاز شد، غریبانه بازمی گردد، پس خوشا به حال غریبان." و دل ها از این حدیث شما مُشمَّز می شوند و "امر ما سخت دشوار است." و احادیث بسیار زیادی که شما می دانید؛ همچنین "حق، تلخ است." باید تمام این مسائل را [در برخورد] با مردم رعایت کنیم.

این صحیح نیست که وقتی حق را شناختیم و به معلومات و دلایل بسیاری دست یافتیم - و برادرانی هستند که سالیان زیادی در دعوت مبارک هستند - در برخورد با انسان مبتدی (فردی که تازه دعوت را شنیده است) تمام معلوماتی را که در این سال ها آموخته ایم به او بگوییم. باید با مردم مدارا کنیم، همان طور که کشاورز در آغاز با گیاه مدارا می کند، یا پیش از زمانی که گیاه در حالت بذر و دانه است. باید کم کم و اندک اندک با آن مدارا کنیم تا اینکه درخت بزرگی شود؛ سپس آبی را که نیاز است به او بدهیم. انسان نیز چنین است. باید با مردم مدارا کرد. "مدارا و دوستی با مردم، نصف عقل است یا "دوستی [با مردم] خود عقل است." یا "از [نشانه های] کمال عقل، دوستی با مردم است."

آن طور که محمد و آل محمد (ص) می خواهند، مردم را دعوت کنیم. قطعاً سخن طولانی است و احادیث در این مورد بسیار است و از خداوند سبحان و متعال می خواهیم که دست همه را بگیرد و ما را به اندازه یک چشم برهم زدن، به خودمان و انگذارد.^{۱۳}

نتیجه گیری:

اولین شرط تشیع پیروی متعبدانه و مخلصانه از اوامر امام معصوم (ع) و نمایندگان برگزیده‌اش در هر زمان و پرهیز از رأی و نظر شخصی است. مطابق نصوص متعدد سید احمد الحسن (ع)، وصی و فرستاده امام مهدی (ع) و دفتر رسمی (مکتب) و نمایندگان ایشان، دعوت مبارک یمانی با هیچ شخص، حزب، گروه و یا حکومتی ابتدائاً دشمنی ندارد، بلکه همگان را با حکمت و موعظه حسنه به پذیرش حق فرامی‌خواند.

دعوت یمانی به‌ویژه، نسبت به حکومت ایران نه تنها هیچ دشمنی و عداوتی ندارد، بلکه سلامت و اقتدار آن را مهم می‌داند. اهمیت وجود حکومت شیعی ایران از نظر دعوت یمانی، اولاً به دلیل نقش مثبت آن در مواجهه با استکبار جهانی به رهبری آمریکا و جریان تروریستی وهابی است و ثانیاً به خاطر ظرفیت و استعدادی است که این حکومت در یاری‌رسانی به دعوت حق در آینده داراست. آنچه گفته شد به معنی شرعی و الهی بودن حکومت ایران و یا نهی از انتقاد نسبت به برخی سیاست‌های نادرست آن، از جمله فشار غیرمنطقی بر انصار امام مهدی (ع) نیست.

انصار ایرانی یمانی آل محمد (ع) موظف هستند، ضمن کوشش در تبلیغ حد اکثری بر اساس علم و اخلاق، از هر گونه تهاجم به شخصیت‌های سیاسی و دینی پرهیز کنند و مراقبت داشته باشند که در جهت تضعیف حکومت جمهوری اسلامی - خواسته یا ناخواسته - قدمی بر ندارند.

برادران و خواهران ایمانی! امروز چنانچه خارج از این چارچوب رفتار کنیم و خدای ناکرده مخالف دستورات صریح مکتب مبارک (آشکارا و یا در نهان) عمل کنیم، نه تنها به امام مهدی (ع) و دعوت الهی ایشان خدمتی نکرده‌ایم، بلکه بر سر راه تمکین امام (ع) موانعی ایجاد کرده‌ایم و العیاذ بالله، زخمی بر زخم‌های قائم آل محمد (ع) افزوده‌ایم. فراموش نکنیم که بسیاری اوقات، دفاع و طرفداری بد، حتی از دشمنی حساب‌شده نیز لطمات بیشتری به یک شخص و یا عقیده وارد می‌کند.

ما برای تشفی دل خویش با یمانی موعود (ع) بیعت نکرده‌ایم، بلکه پیمان بسته‌ایم که سنگی باشیم در دستان او تا زمینه تمکین امام مهدی (ع) را فراهم آوریم و زیر پرچم مقدس ایشان، جهان را از ظلمتِ جهل و بی‌عدالتی نجات دهیم. از خدا بخواهیم که شیعیان حقیقی آل محمد (ع) و رهروان صادق و ملازمی در لحظه لحظه‌ی مسیر ترسیم شده توسط مکتب مبارک باشیم.

امیدواریم حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز نگاه امنیتی خویش را نسبت به دعوت یمانی موعود اهل بیت (ع) کنار بگذارد و اگر به ندای یاری‌خواهی فرستاده امام عصر (ع) - که با ادله محکم از تقلین خویش را اثبات کرده - لبیک نمی‌گویید، دست کم از هتک حرمت او و اعمال فشار بی‌دلیل بر انصار مظلومش دست بردارد.

اللهم اجعلنا احجارا في يدي مكتب مولانا الامام احمد الحسن عليه السلام

والحمد لله وحده وحده وحده

پیوست ۱:

گزیده‌ای از کلام امام احمد الحسن درباره قدرت‌های جهانی:

۱) درباره ایالات متحده آمریکا

«... آیا بر مؤمنان مخفی است که آمریکا بزرگترین مصداق برای دجال است؟! رسول خدا (ص) و اهل بیتش (ع) فرمودند: دجال از کوه سنام می‌آید و مردم را فریب می‌دهد، و همراهش کوهی از آتش و کوهی از غذاست و فرمودند: می‌آید و می‌گوید ای یارانم به سوی من آیید ... من پروردگار بزرگ شما هستم!»

بر کسی پنهان نیست که آمریکا از کویت از سوی کوه سنام موجود در سفوان وارد عراق شد و بر کسی پنهان نیست که کوه آتش همان ابزارهای جنگی آمریکایی می‌باشد و نیز بر کسی پنهان نیست که کوه غذا همان اقتصاد آمریکایی پر رونق و دلار آمریکایی است و پنهان نیست که آمریکا امروز یاران خود را نداء می‌دهد و در برابر حکم خداوند منزه اعتراض می‌کند و خود قانون‌گذاری و تعیین می‌کند و می‌خواهد آن را بر مردم واجب گرداند؛ او ادعا می‌کند که پروردگار بزرگتان می‌باشد، و او جز با یک چشم نمی‌بیند، چشم مصلحت‌شیطنی آمریکایی؛ و این دجالان ادعاء می‌کنند که آنها نمایندگان عیسی مسیح (ع) می‌باشند با این همه فساد که دارند و به پا می‌کنند. پس آمریکا همان مسیح دجال می‌باشد که در زمین منتشر شد، تا آن را پر از فساد کند و آمریکا همان دجال یک چشم می‌باشد ... آیا برای کسانی که با آمریکا زد و بند دارند، بهانه‌ای باقی ست و آیا کسانی که در برابر آمریکا ایستادگی نکرده و نمی‌جنگند عذر و بهانه‌ای باقی ماند؟! ...» (از بیانیه دجال اکبر؛ ۳ ربیع الثانی ۱۴۲۵ / ۳ خرداد ۱۳۸۳)

۲) درباره رژیم غاصب صهیونیستی

«اما ستاره شش‌گوش: پس این ستاره از جمله میراث پیامبران است که قائم، محمد بن حسن المهدی (ع) آن را به ارث برده است و آن نمادی است که به امام مهدی (ع) اشاره دارد و معنی آن پیروز شده یا منصور می‌باشد. و یهود صهیونیست این ستاره را سرقت نموده و آن را شعار خویش و نمادی از انتظارشان برای مصلح جهانی موعود قرار داده و آن مصلح نزد آنان همانطور که پیشتر گفته‌ام، ایلایی نبی (ع) است.

و کسی که به این ستاره توهین کند و آن را لعن نماید، مانند کسی است که کلمه الله اکبر را لعن کند که صدام — که خدا او را لعنت کند — آن را بر پرچم عراق قرار داده بود، و از کسانی است که میراث پیامبران (ع) را لعنت می‌کنند.

پس این ستاره ستاره امام مهدی (ع) است و از اهل بیت روایت شده: "پرچم حق زمانی که ظهور کند اهل مشرق و اهل مغرب آن را لعنت می‌کنند."^{۱۴} پس ای مؤمنان! [از این لعن] برحذر باشید، چراکه لعنت اگر جایگاهی برای خود نیابد، همان طور که از رسول خدا (ص) روایت شده، به سوی صاحب خویش بر می‌گردد.^{۱۵}

و داوود (ع) داوود ما است و سلیمان (ع) سلیمان ما است و هیکل هیکل ما مسلمانان است، نه هیکل یهودی که صهیونیست و قاتل پیامبران (ع) هستند، و سرزمین مقدس سرزمین ما است و حتما باید آن را آزاد و فتح کنیم و پرچم "لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله" را بر آن برافراشته کنیم.» (متشابهات، ج ۱، س ۲۳)

۳) درباره عربستان سعودی و وهابیت تروریست

«امروزه تروریسم دین و عقیده دارد، که همان وهابیت سلفی است که منبعش سعودی است. حتی امکان دارد بگوییم: "هر سلفی وهابی، یکتروریست است یا فردی است که در آینده تروریست می‌شود ...»

دین سلفی وهابی، عبارت است از دینی که بر جرم و کشتار و ستم بر دیگران استوار است ...

این‌ها جلوه‌ای از روش سفیانی‌اموی هستند که از آغاز مبعوث شدن فرستاده خدا محمد (ص) با اسلام دشمنی می‌کردند، در حالی که آل محمد (ع) نماینده اسلام حقیقی هستند، آنان وارثان پیامبر (ص)؛ پیامبر اسلام هستند.» (مصاحبه صوتی با موضوع اصلی کتاب توهم بی‌خدایی، در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۹۴)

^{۱۴} . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳.

^{۱۵} . کافی، ج ۲، ص ۳۶۰.

پیوست ۲:

شاخص‌های راهبردی دعوت مبارک یمانی:

معرفی مختصر دعوت مبارک یمانی

[و شاخص‌های راهبردی دعوت مبارک یمانی]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً

دعوت مبارک یمانی یک دعوت عقیدتی علمی است که بر قرآن کریم و سنت شریف محمد رسول خدا ص و اهل بیت پاکش تکیه دارد. هدف آن بیان عقیده‌ی حقّه نسبت به دین حنیف محمدی است، و علی‌الخصوص هدفش بیان صحیح جریان امام مهدی محمد بن الحسن العسکری ع است، هم‌چنین قصد دارد با آماده‌سازی آذهان مؤمنین و مسلمانان و همه‌ی اهل زمین برای قبول دعوت قائم آل محمد (ع)، که در قرآن کریم و سنت شریف اهل بیت و دیگر کتب آسمانی به آن بشارت داده شده است، برای قیام امام مهدی ع زمینه‌سازی نماید. و رهبری دعوت یمانیه بر عهده‌ی سید احمد الحسن وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) می‌باشد.

مهمترین شاخص‌های دعوت مبارک یمانی در جملات زیر خلاصه می‌شود:

اول: تأکید بر حاکمیت خداوند متعال در زمین که تا قیام قیامت به دست اوصیای پیامبر گرامی اسلام محمد (ص) محقق می‌شود که همان امامان دوازده‌گانه علیهم السلام که اولینشان علی بن ابی‌طالب ع و آخرینشان و خاتم ایشان امام مهدی (محمد بن الحسن العسکری) هستند، و همچنین مهدیین دوازده‌گانه از نسل امام مهدی (ع)، که در وصیت مقدس شب وفات پیامبر ص از ایشان یاد شده و به ایشان تصریح گشته است.

دوم: بیان عقیده‌ی امامت مهدیین دوازده‌گانه از نسل امام مهدی ع از طریق:

الف — آیات محکم قرآن کریم و تفسیر شده از سوی نبی خدا محمد (ص) و اهل بیتش یعنی ائمه‌ی اطهار.

ب — روایات متواتری که تصریح می‌کنند امامت تا روز قیامت ادامه دارد و زمین از امام خالی نمی‌شود، و اگر در زمین دونفر وجود داشته باشند یکی از آن دو بر دیگری حجت است و اگر زمین از امام خالی شود اهلش را فرو می‌برد و پس به ناچار بعد از امام مهدی ع باید امامی وجود داشته باشد.

ج — روایات متواتری که تصریح دارد امامت، تا قیامت، در نوادگان و نواده‌های نوادگان از نسل امام حسین ع می‌باشد و از آن جا که امامت هم اکنون به امام مهدی ع رسیده است پس باید استمرار آن، بعد از ایشان فقط و فقط در نسل ایشان بوده باشد.

د- روایات متواتری که تصریح و اشاره دارد به این که هر امامی از اهل بیت ع نمی میرد تا این که امام از نسل خودش را ببیند، و این قانونی عمومی است برای همه ی معصومین ع و امام مهدی ع نیز یکی از آن بزرگواران است، پس به ناچار ایشان باید وصی داشته باشند که امام بوده و از نسل ایشان بوده باشد، و کسی که ادعا می کند امام مهدی ع از این قاعده مُستثنی است، باید برای این ادعایش دلیلی قطعی الصدور و قطعی الدلالة بیاورد (یعنی به طور قطع از معصوم صادر شده و به طور حتم بر مدّعی او دلالت داشته باشد).

هـ - روایات متواتری که وجود مهدیین از نسل امام مهدی ع و امامت ایشان و حجت بودن آنان بر امت بعد از پدرشان حجت بن الحسن ع را به صراحت بیان می کند، مهم ترین این روایات، وصیت شب وفات رسول خدا محمد ص است که خود پیامبر خدا آن را این گونه توصیف کردند: نوشته ای است که امت را تا قیامت از گمراهی حفظ می کند، و نیز روایات متواتر دیگری که به امامت مهدیین از نسل امام مهدی ع تصریح و اشاره دارد.

و- آراء و اقوال عالمان متقدم و متأخر و معاصر از شیعیان اهل بیت ع که قائل بودند و جایز می دانستند امامانی بعد از امام مهدی ع از نسل ایشان باشد، مانند شیخ صدوق (ره) و شیخ مفید (ره) و شیخ إربلی (ره) و سید مرتضی (ره) و شیخ طبرسی (ره) و شیخ علی نمازی شاهرودی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) و شهید سید محمد محمد صادق صدر (ره) و دیگران.

و همه ی این اقوال در انتشارات انصار امام مهدی ع تدوین ثبت شده و در سازمان های رسانه ای دعوت مبارک یمانی محفوظ است. هم چنین مضامین همه ی نکته های ذکر شده در بخش [دوم]، در کتب اصول حدیثی معتبر مانند کتاب «کافی» شیخ کلینی و کتاب «من لایحضره الفقیه» و «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق ثبت شده، و کتاب «تهذیب الاحکام» و «الغیبه» شیخ طوسی، و کتاب «الغیبه» شیخ نعمانی (رحمهم الله جميعاً طیب الله ثراهم) و دیگر مصادر حدیثی معتبر و مشهور، محفوظ و ثبت شده می باشد.

سوم: زمینه ساز اصلی برای امام مهدی (ع) در عصر ظهور، همان سید احمد الحسن وصی و فرستاده ی امام مهدی ع، صاحب دعوت مبارک یمانی می باشد، و این امر و شرح آن، در ده ها کتاب انصار امام مهدی ع اثبات شده که هر کس بخواهد می تواند مراجعه کند.

چهارم: تمرکز دعوت مبارک یمانی بر دعوت به سوی حق با دلیل و برهان علمی اخلاقی است، تا از دستور خدای متعال اطاعت کرده باشیم که فرمود: {ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...} : { [مردم را] به راه پروردگارت با حکمت و موعظه ی نیکو دعوت کن و با آنان با طریقی که نیکو تر است مناظره نما ... } نحل: ۱۲۵. و احادیث شریفه نیز بر این امر تاکید دارد و به آن تشویق می کند، و روش غیر اخلاقی را که با فحاشی و دشنام و سرزنش و لعن و تمسخر باشد دور انداخته و از آن منع می نماید. و هم چنین این دعوت مبارک بر التزام به اخلاق قرآن و اهل بیت ع متمرکز می باشد، و این چیزی است که سید احمد الحسن به آن توصیه کرده و آن را برای پیروان و ایمان آورندگان به خویش، واجب می داند.

پنجم: دعوت مبارک یمانی در جایگاه مخالفت و انکار نسبت به تمام روش های نادیده گرفتن خون و ناموس و اموال مردم ایستادگی می کند، و بر ریختن آبروی نوادگان تاتار و مغول (یعنی همین قاتلان و قصابانی که از ریختن خون بیگناهان از زن و کودک و سالمند و ... فروگذار نمی کنند، و هم چنین بیزاری جستن از ایشان و فرهنگ سازی در جامعه علیه این آدم کشانی که نه دین دارند و نه وجدان، و به تمام معنی حتی از پایین ترین درجات انسانیت و بشردوستی به دورند، چه آن هایی که در عراقند و چه آنهایی که در خارج عراقند) پافشاری می نماید. و این کاری است که سید احمد الحسن انجام داده و در رسانه های دعوت مبارک یمانی، آن را برای مردم بیان فرموده است.

ششم: همچنین؛ دعوت مبارک یمانی در جایگاه مخالفت و انکار نسبت به همه روش های فتنه انگیزی طائفه ای در مرکز اسلامی، و بین مسلمانان و حتی بین کسانی که از ادیان دیگر هستند می ایستد، هم چنین، دعوت یمانی بر ضرورت وحدت کلمه ی تمام امت و همه ی مردم بر حق و هدایت، آن هم با نرمی و مدارا و گفتگوهای اخلاقی هدفمند تاکید دارد، و روش لعن یا دشنام به نمادهای مذهبی را نادرست می داند، و فقط به بحث علمی اخلاقی در مورد تمام مواضع اختلاف بین مذاهب و ادیان می پردازد.

هفتم: دعوت مبارک یمانی به دستور سید احمد الحسن سعی دارد فرهنگ دینی عقیدتی و اخلاقی صحیح را در جامعه از طریق وسایل ارتباط جمعی انتشار دهد و مردم را به علم و معرفت و محاسن اخلاق ترغیب نماید.

هشتم: دعوت مبارک یمانی تلاش می کند ایتم و فقرا و مساکین را تا حد امکان سرپرستی کند، و جامعه را به عطف و انصاف نسبت به این طبقه ی محروم تشویق نماید، و آن چه که از کرامت این قشر ضعیف در جامعه انسانی و اسلامی صیانت می کند، برایشان فراهم آورد، و این چیزی است که سید احمد الحسن ع در بسیاری از موضع گیری های آشکار خود در ابزارهای رسانه ای دعوت مبارک یمانی بر آن تاکید داشته و به آن تشویق فرموده است.

نهم: دعوت مبارک یمانی این مطالبه را دارد که با آن منصف باشند و حقش را که معرفی خودش و بیان فرهنگ و عقیده اش است از راه های مشروع که حتی قانون اجرایی کنونی که در داخل و خارج عراق بر آن تکیه دارد آن را قرار داده است، بدهند، زیرا آزادی عقیده و تفکر در شرع و در همه ی قوانین تضمین شده است، این از حقوق دعوت یمانی است که مساجد و حسینیه ها و مؤسسات علمی و مؤسسات رسانه ای و خیریه داشته باشد، همان گونه که برای تمامی مذاهب اسلامی و غیر اسلامی یعنی ادیان یا مذاهب فکری غیر دینی چنین حقی تضمین شده است.

دهم: دعوت یمانی، در نجف اشرف یک دفتر رسمی دارد که نماینده ی آن است، و این دعوت، مسؤولیت هیچ کار یا حرفی که به آن نسبت داده شود -ولی از سوی مکتب رسمی سید احمد الحسن در نجف اشرف صادر نشده باشد- بر عهده نمی گیرد، هم چنین همه ی جزئیات و روش های دعوت یمانی در کتاب های سید احمد الحسن و بیانات ایشان منتشر شده و آشکار است، و هر چیزی که مخالف آن باشد، دعوت یمانی از آن براءت جسته و به آن ملتزم نمی باشد، و بدین وسیله، کذب اتهامات و دروغگویی ها و بهتان ها و هجمه های تبلیغاتی مغرضانه ای که برخی گروه های ضد دعوت مبارک یمانی بدون ذکر هیچ گونه دلیلی به کار می گیرند، روشن می گردد.

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد وآله الأئمة والمهدیین وسلم تسلیماً کثیراً.

دفتر سید احمد الحسن (ع)

در نجف اشرف

متن عربى:

موجز تعريفى بالدعوة اليمانية المباركة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً

الدعوة اليمانية المباركة دعوة عقائدية علمية معتمدة على القرآن الكريم والسنة الشريفة لمحمد (ص) ولآل بيته الأطهار. هدفها بيان العقيدة الحقّة للدين المحمدي الحنيف، وخصوصاً بيان قضية الإمام المهدي محمد بن الحسن (ع) والتمهيد له بتهيئة أذهان المؤمنين والمسلمين وكل أهل الأرض لقبول دعوة قائم آل محمد (ع) المبشر به في القرآن الكريم والسنة الشريفة وبقية الكتب السماوية، وقيادة الدعوة اليمانية متمثلة بالسيد أحمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (ع).

وأهم معالم الدعوة اليمانية تتلخص بما يلي:

أولاً: التأكيد على حاكمية الله تعالى في الأرض المتمثلة بأوصياء النبي محمد (ص) الأئمة الاثني عشر (ع) أولهم علي بن أبي طالب (ع) وآخرهم وخاتمهم الإمام المهدي محمد بن الحسن العسكري (ص)، والمهديين الاثني عشر من ذرية الإمام المهدي (ع) الى قيام الساعة، المنصوص عليهم بالوصية المقدسة للنبي محمد (ص) ليلة وفاته.

ثانياً: بيان عقيدة إمامة المهديين الاثني عشر من ذرية الإمام المهدي (ع)، من خلال:

أ - محكم القرآن الكريم والمفسر عن النبي محمد (ص) وعن أهل بيته الأئمة الأطهار.

ب - الروايات المتواترة التي تنص على أنّ الإمامة مستمرة الى يوم القيامة وأن الأرض لا تخلو من إمام، ولو كان في الأرض اثنان لكان أحدهما الحجة على صاحبه، ولو خليت الأرض من إمام لساخت بأهلها. فبعد الإمام المهدي (ع) لا بد أن يكون في الأرض إمام.

ج - الروايات المتواترة التي تنص على أن الإمامة مستمرة في الأعقاب وأعقاب الأعقاب من ذرية الإمام الحسين (ع) الى يوم القيامة، وبما أن الإمامة وصلت الآن الى الإمام المهدي (ع) فلا بد أن تستمر بعده في ذريته حصراً.

د - الروايات المتواترة التي تنص وتشير الى أن كل إمام من أهل البيت (ع) لا يموت حتى يرى الإمام من ذريته، وهذا عام لكل الأئمة المعصومين (ع) والإمام المهدي أحدهم، فلا بد أن يكون له وصي إمام من ذريته، ومدعي استثناء الإمام المهدي (ع) من ذلك مطالب بالدليل القطعي صدوراً ودلالة.

هـ - الروايات المتواترة التي تذكر وتنص على المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع) وإمامتهم وحجيتهم على الأمة بعد أبيهم الحجة ابن الحسن (ع)، أهمها وصية النبي محمد (ص) ليلة وفاته التي وصفها النبي (ص) بأنها الكتاب العاصم للأمة من الضلال الى يوم القيامة، وغيرها من الروايات المتواترة التي تنص وتشير الى إمامة المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع).

و - أقوال العلماء المتقدمين والمتأخرين والمعاصرين من شيعة أهل البيت (ع) القائلين والمجوزين لوجود الأئمة بعد الإمام المهدي (ع) من ذريته، كالشيخ الصدوق (رحمه الله) والشيخ المفيد (رحمه الله) والشيخ الإربلي (رحمه الله) والسيد المرتضى (رحمه الله) والشيخ الطبرسي (رحمه الله) والشيخ علي النمازي الشاهرودي (رحمه الله)، والسيد الشهيد محمد باقر الصدر (رحمه الله)، والسيد الشهيد محمد صادق الصدر (رحمه الله) وغيرهم.

وكل هذه الأقوال مدونة وموثقة في إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع) المتوفرة في المؤسسات الإعلامية للدعوة اليمانية. وكذلك مضامين جميع النقاط الستة في [ثانياً] ثابتة وموثقة في الأصول الحديثية المعتبرة ككتاب الكافي للشيخ الكليني، ومن لا يحضره الفقيه للشيخ الصدوق وكمال الدين وتمام النعمة كذلك، وتهذيب الأحكام للشيخ الطوسي وكتاب الغيبة كذلك، وكتاب الغيبة للشيخ النعماني، رحمهم الله جميعاً وطيب الله ثراهم. وغيرها من المصادر المعتبرة المشهورة.

ثالثاً: الممهد الرئيسي للإمام المهدي (ع) في عصر الظهور هو السيد أحمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (ع)، صاحب الدعوة اليمانية المباركة، وقد تم إثبات هذا الأمر وتفصيله في عشرات الكتب لأنصار الإمام المهدي (ع)، فمن شاء فليراجع.

رابعاً: تركز الدعوة اليمانية المباركة على الدعوة الى الحق بالدليل والبرهان العلمي الأخلاقي، امتثالاً لأمر الله تعالى: {ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...} {النحل: ١٢٥}. والأحاديث الشريفة التي تؤكد وتحث على ذلك، ونبذ وشجب الأسلوب اللاأخلاقي المتمثل بالسب والشتم واللعن والاستهزاء. والالتزام بأخلاق القرآن وأهل البيت (ع)، وهذا ما يوصي به السيد أحمد الحسن ويوجهه على أتباعه والمؤمنين به.

خامساً: تقف الدعوة اليمانية المباركة موقف المعارضة والاستنكار لكل أساليب الاستخفاف بدماء الناس وأعراضهم وأموالهم، وفضح أحفاد التتر والمغول من القتل والذبّاحين الذين لا يتورعون عن إراقة دماء الأبرياء من الأطفال والنساء والشيخوخة... الخ، والبراءة منهم وتنقيف المجتمع على أن هؤلاء القتل لا دين لهم ولا ضمير، وبعيدين كل البعد حتى عن أدنى مستوى من مستويات الإنسانية القويمة، سواء كانوا في العراق أو خارجه. وهذا ما قام به السيد أحمد الحسن ويثبته للناس في الوسائل الإعلامية للدعوة اليمانية المباركة.

سادساً: أيضاً تقف الدعوة اليمانية المباركة موقف المعارضة والاستنكار لكل اساليب إثارة الفتن الطائفية في الوسط الإسلامي، وبين المسلمين وغيرهم من سائر الديانات الأخرى، وتؤكد الدعوة اليمانية على ضرورة توحيد كلمة الأمة وكل الناس على الحق والهدى باللين والرفق والحوار الأخلاقي الهادف، ونبد التعرض الى شتم أو سب الرموز الدينية، والاقتصار على النقاش العلمي الاخلاقي لكل مواضع الخلاف بين المذاهب والديانات.

سابعاً: تسعى الدعوة اليمانية المباركة وتوجيه من السيد أحمد الحسن الى نشر الثقافة الدينية العقائدية والاخلاقية الصحيحة في المجتمع من خلال وسائلها الاعلامية، والترغيب بالعلم والمعرفة ومحاسن الأخلاق.

ثامناً: تسعى الدعوة اليمانية المباركة الى كفالة الأيتام والفقراء والمساكين حسب الامكان، وحث المجتمع على العطف على هذه الطبقة المحرومة وانصافها، وتوفير ما يصون كرامتها بين المجتمع الإنساني والإسلامي، وهذا ما أكد وحث عليه السيد أحمد الحسن (ع) في العديد من المواقف المعلنة في الوسائل الاعلامية للدعوة اليمانية المباركة.

تاسعاً: تطالب الدعوة اليمانية المباركة بانصافها واعطائها حقها في التعريف عن نفسها وبيان ثقافتها وعقيدتها بالطرق المشروعة التي يقرها حتى القانون الوضعي المعتمد عليه الآن في العراق وخارجه، فحرية الاعتقاد والفكر مكفولة في الشرع وفي كافة القوانين، فمن حقوق الدعوة اليمانية أن تكون لها مساجد وحسينيات ومؤسسات علمية وإعلامية وخيرية، كما هو مكفول لكل المذاهب الاسلامية وغيرها من الديانات أو المذاهب الفكرية اللادينية.

عاشراً: للدعوة اليمانية مكتب رسمي يمثلها في النجف الأشرف، وهي غير مسؤولة عن أي فعل أو قول ينسب لها إن لم يكن صادراً عن مكتب السيد أحمد الحسن في النجف الأشرف، وأيضاً كل تفاصيل ومناهج الدعوة اليمانية منشورة ومعلنة في كتب السيد أحمد الحسن وبياناته، وكل ما يخالف ذلك تكون الدعوة اليمانية بريئة منه ولا تلتزم به، وبذلك يتبين زيف التهم والكذب والبهتان والحملة الدعائية المغرضة التي تمارسها بعض الجماعات ضد الدعوة اليمانية المباركة بلا دليل يُذكر.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً

وبسایت های رسمی دعوت مبارک یمانی آل محمد (ع):

www.almahdyoon.co

www.varesin.org